

آیین دادرسی و ادله * دیوان بین‌المللی کیفری^۱

فهرست مطالب

مواد

فصل ۱. مقررات کلی

۱- کاربرد اصطلاحات

۲- متون معتبر

۳- اصلاحات

فصل ۲. ترکیب و اداره دیوان

بند یک. مقررات کلی مربوط به ترکیب و اداره دیوان

* نکته توضیحی: آیین دادرسی و ادله برای اعمال اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رم می‌باشد که در شرح و بسط آن، برای پرهیز از بیان مجدد و تا حد امکان تکرار مقررات اساسنامه، دقت به عمل آمده است. ارجاعات مستقیم به اساسنامه در آیین دادرسی و ادله در صورت مقتضی برای تأکید بر روابط بین آیین دادرسی و ادله و اساسنامه رم به طوری که در ماده ۵۱ و مشخصاً در بندهای ۴ و ۵ پیش‌بینی شده گنجانده شده است. در کلیه قضایا آیین دادرسی و ادله باید به اتفاق و با رعایت مقررات اساسنامه تفسیر شود. آیین دادرسی و ادله دیوان بین‌المللی کیفری - به منظور حفظ جریان رسیدگی ملی - هیچ تأثیری بر آیین دادرسی دادگاه ملی یا نظام حقوقی رسیدگی ملی نمی‌گذارد.

۱. متن انگلیسی این سند از پایگاه اینترنتی دیوان بین‌المللی کیفری به نشانی ذیل:

http://www.icc-cpi.int/asp/aspreCORDS/ASP_1stsession.html

برگرفته شده و توسط آقای حاتم صادقی زبازی به فارسی برگردانده شده است. نظر به حجیم بودن سند چهار فصل اول آن در این شماره و هشت فصل بعدی در شماره‌های آتی مجله حقوقی چاپ می‌شود.

- ۴- جلسات عمومی
- ۵- تعهد رسمی طبق ماده ۴۵ [اساسنامه]
- ۶- تعهد رسمی کارکنان دفتر دادستانی، دفتر دیوان و مترجمان
- ۷- قاضی منفرد طبق بند ۲ (ب) (سه)، ماده ۳۹ [اساسنامه]
- ۸- مجموعه مقررات رفتار شغلی
- بند دو. دفتر دادستانی
- ۹- نحوه فعالیت دفتر دادستانی
- ۱۰- نگهداری اطلاعات و مدارک
- ۱۱- تفویض وظایف دادستانی
- بند سه. دفتر دیوان
- بند فرعی یک. مقررات کلی مربوط به دفتر دیوان
- ۱۲- صلاحیت‌ها و انتخاب مدیر دفتر و معاون وی
- ۱۳- وظایف مدیر دفتر
- ۱۴- نحوه فعالیت دفتر دیوان
- ۱۵- پرونده‌ها
- بند فرعی دو. واحد قربانیان و شهود
- ۱۶- مسؤولیت‌های مدیر دفتر در رابطه با قربانیان و شهود
- ۱۷- وظایف واحد
- ۱۸- مسؤولیت‌های واحد
- ۱۹- تخصص در واحد
- بند فرعی سه. وکیل مدافع
- ۲۰- مسؤولیت‌های مدیر دفتر در خصوص حقوق دفاع
- ۲۱- تعیین دستیار حقوقی
- ۲۲- انتصاب و صلاحیت‌های وکیل مدافع

بند چهار. وضعیت‌هایی که بر عملکرد دیوان تأثیر می‌گذارد

بند فرعی یک. عزل از سمت و اقدامات انضباطی

۲۳- اصل کلی

۲۴- تعریف سوء رفتار شدید و قصور جدی در [انجام] و [وظایف] [محواله]

۲۵- تعریف سوء رفتار با ماهیت خفیف‌تر

۲۶- پذیرش شکایات

۲۷- مقررات کلی در خصوص حقوق دفاع

۲۸- تعلیق از خدمت

۲۹- شیوه کار در صورت درخواست عزل از سمت

۳۰- شیوه کار در صورت درخواست اقدامات انضباطی

۳۱- عزل از سمت

۳۲- اقدامات انضباطی

بند فرعی دو. معذوریت، عدم صلاحیت، فوت و استعفاء

۳۳- معذوریت قاضی، دادستان یا معاون دادستان

۳۴- عدم صلاحیت قاضی، دادستان یا معاون دادستان

۳۵- وظیفه قاضی، دادستان یا معاون دادستان در خصوص درخواست معافیت [از انجام

کار]

۳۶- فوت قاضی، دادستان، معاون دادستان، مدیر دفتر یا معاون مدیر دفتر

۳۷- استعفاء قاضی، دادستان، معاون دادستان، مدیر دفتر یا معاون مدیر دفتر

بند فرعی سه. جایگزینی و قضات جانشین

۳۸- جایگزینی‌ها

۳۹- قضات علی‌البدل

بند پنج. انتشارات، زبان‌ها و ترجمه

۴۰- انتشار تصمیمات به زبان‌های رسمی دیوان

۴۱- زبان‌های کاری دیوان

۴۲- خدمات ترجمه و ترجمه همزمان

۴۳- آیین قابل اعمال در انتشار اسناد دیوان

فصل ۳. صلاحیت و قابلیت استماع

بند یک. اعلامیه‌ها و ارجاعات مربوط به مواد ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴

[اساسنامه]

۴۴- اعلامیه پیش‌بینی شده در بند ۳، ماده ۱۲ [اساسنامه]

۴۵- ارجاع وضعیتی به دادستان

بند دو. شروع تحقیقات طبق ماده ۱۵ [اساسنامه]

۴۶- اطلاعات تهیه شده برای دادستان طبق بندهای ۱ و ۲، ماده ۱۵ [اساسنامه]

۴۷- ادای شهادت طبق بند ۲، ماده ۱۵ [اساسنامه]

۴۸- تعیین مبنای معقول برای ادامه تحقیق طبق بند ۳، ماده ۱۵ [اساسنامه]

۴۹- تصمیم و اطلاعیه طبق بند ۶، ماده ۱۵

۵۰- آیین تجویز شروع به تحقیق از سوی شعبه دادرسی مقدماتی

بند سه. ایرادات و احکام مقدماتی طبق مواد ۱۷، ۱۸ و ۱۹ [اساسنامه]

۵۱- اطلاعات تهیه شده طبق ماده ۱۷ [اساسنامه]

۵۲- اعلامیه پیش‌بینی شده در بند ۱، ماده ۱۸ [اساسنامه]

۵۳- تعویق پیش‌بینی شده در بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]

۵۴- درخواست دادستان طبق بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]

۵۵- رسیدگی در خصوص بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]

۵۶- درخواست دادستان متعاقب تجدیدنظر، طبق بند ۳، ماده ۱۸ [اساسنامه]

۵۷- اقدامات موقت طبق بند ۶، ماده ۱۸ [اساسنامه]

۵۸- رسیدگی طبق ماده ۱۹ [اساسنامه]

۵۹- مشارکت در رسیدگی طبق بند ۳، ماده ۱۹ [اساسنامه]

۶۰- رکن صلاحیتدار برای پذیرش ایرادات

۶۱- اقدامات موقت طبق بند ۸، ماده ۱۹ [اساسنامه]

۶۲- رسیدگی طبق بند ۱۰، ماده ۱۹ [اساسنامه]

فصل ۴. مقررات مربوط به مراحل مختلف رسیدگی

بند یک. ادله

۶۳- مقررات کلی مربوط به ادله

۶۴- آیین مربوط به ارتباط یا قابلیت استماع ادله

۶۵- اجباری بودن ادای شهادت

۶۶- تعهد رسمی

۶۷- شهادت زنده از طریق فناوری سمعی یا بصری

۶۸- شهادت ضبط شده از قیل

۶۹- توافقات نسبت به ادله

۷۰- اصول ادله در موارد خشونت جنسی

۷۱- ادله رفتارهای جنسی دیگر

۷۲- آیین غیرعلنی در بررسی ارتباط یا قابلیت استماع ادله

۷۳- ارتباطات و اطلاعات محرمانه

۷۴- مجرم قلمداد نمودن خود از طریق شهادت (علیه خود)

۷۵- مجرم قلمداد نمودن [شخص] با شهادت اعضای خانواده

بند دو. افشاگری

۷۶- افشاگری پیش از دادرسی مقدماتی مربوط به تعقیب شهود

۷۷- بررسی اسناد تحت اختیار یا کنترل دادستان

۷۸- بررسی اسناد تحت اختیار یا کنترل وکیل مدافع

۷۹- افشاگری [برخی نکات] توسط وکیل مدافع

۸۰- آیین در جهت طرح مبنایی برای معافیت از مسؤولیت کیفری طبق بند ۳، ماده ۳۱

[اساسنامه]

۸۱- محدودیت‌هایی بر افشاگری

۸۲- محدودیت‌هایی برای افشاء اسناد و اطلاعات مورد حمایت طبق بند ۳ (هـ)، ماده

۵۴ [اساسنامه]

۸۳- حکم درخصوص ادله‌بری کننده طبق بند ۲، ماده ۶۷ [اساسنامه]

۸۴- افشاگری و ادله‌دیگر برای دادرسی

بند سه. قربانیان و شهود

بند فرعی یک. تعریف و اصل کلی مربوط به قربانیان

۸۵- تعریف قربانیان

۸۶- اصل کلی

بند فرعی دو. حمایت از قربانیان و شهود

۸۷- اقدامات حمایتی

۸۸- اقدامات ویژه

بند فرعی سه. مشارکت قربانیان در [جلسات] رسیدگی

۸۹- درخواست برای مشارکت قربانیان در [جلسات] رسیدگی

۹۰- نمایندگان قانونی قربانیان

۹۱- مشارکت نمایندگان قانونی در [جلسات] رسیدگی

۹۲- اعلام به قربانیان و نمایندگان قانونی آنان

۹۳- دیدگاه‌های قربانیان یا نمایندگان قانونی آنان

بند فرعی چهار. جبران خسارات قربانیان

۹۴- آیین بر اساس درخواست [قربانیان]

۹۵- آیین بر اساس پیشنهاد دیوان

۹۶- انتشار [جریان جلسه] رسیدگی به جبران خسارات

۹۷- ارزیابی خسارات

۹۸- صندوق امانی [قربانیان]

۹۹- همکاری و اقدامات حمایتی به منظور مصادره اموال طبق بند ۳ (هـ)، ماده ۵۷ و بند ۴، ماده ۷۵ [اساسنامه]

بند چهارم. مقررات متفرقه

۱۰۰- مکان جلسات رسیدگی

۱۰۱- محدوده‌های زمانی

۱۰۲- ایجاد ارتباط به غیر از [ایجاد ارتباط از طریق] نوشتن

۱۰۳- داوطلب کمک به دادگاه و دیگر اشکال اظهاریه

فصل ۵. تحقیق و تعقیب

بند یک. تصمیم دادستان در خصوص آغاز تحقیق طبق بندهای ۱ و ۲،

ماده ۵۳ [اساسنامه]

۱۰۴- ارزیابی اطلاعات از سوی دادستان

۱۰۵- اعلام تصمیم از سوی دادستان مبنی بر عدم آغاز تحقیق

۱۰۶- اعلام تصمیم از سوی دادستان مبنی بر منع تعقیب

بند دو. آیین طبق بند ۳، ماده ۵۳ [اساسنامه]

۱۰۷- درخواست برای تجدید نظر طبق بند ۳ (الف)، ماده ۵۳ [اساسنامه]

۱۰۸- حکم شعبه دادرسی مقدماتی طبق بند ۳ (الف)، ماده ۵۳ [اساسنامه]

۱۰۹- تجدیدنظر شعبه دادرسی مقدماتی طبق بند ۳ (ب)، ماده ۵۳ [اساسنامه]

۱۱۰- حکم شعبه دادرسی مقدماتی طبق بند ۳ (ب)، ماده ۵۳ [اساسنامه]

بند سه. جمع‌آوری ادله

۱۱۱- ثبت روند بازجویی به طور کلی

۱۱۲- ثبت روند بازجویی در موارد خاص

۱۱۳- جمع‌آوری اطلاعات در خصوص وضعیت سلامتی اشخاص مورد نظر

۱۱۴- موارد ویژه تحقیق طبق ماده ۵۶ [اساسنامه]

- ۱۱۵- جمع‌آوری ادله در قلمروی دولت عضو طبق بند ۳ (د)، ماده ۵۷ [اساسنامه]
- ۱۱۶- جمع‌آوری ادله به درخواست وکیل مدافع طبق بند ۳ (ب)، ماده ۵۷ [اساسنامه]
- بند چهار. آیین‌ها در خصوص محدودیت و محرومیت از آزادی**
- ۱۱۷- بازداشت در کشور بازداشت‌کننده
- ۱۱۸- بازداشت پیش از محاکمه در مقر دیوان
- ۱۱۹- آزادی مشروط
- ۱۲۰- اسباب محدود کننده

بند پنج. آیین‌ها با توجه به تأیید اتهامات طبق ماده ۶۱ [اساسنامه]

- ۱۲۱- آیین قبل از جلسه رسیدگی تأیید [اتهامات]
- ۱۲۲- آیین رسیدگی تأیید [اتهامات] در حضور شخص متهم
- ۱۲۳- اقدامات در جهت حضور شخص مورد نظر در جلسه رسیدگی تأیید [اتهامات]
- ۱۲۴- اعراض از حق حضور در جلسه رسیدگی تأیید [اتهامات]
- ۱۲۵- تصمیم به برگزاری جلسه رسیدگی تأیید [اتهامات] در غیاب شخص مورد نظر
- ۱۲۶- جلسه رسیدگی تأیید [اتهامات] در غیاب شخص مورد نظر
- بند شش. پایان مرحله مقدماتی دادرسی**

- ۱۲۷- آیین رسیدگی در صورت وجود تصمیمات مختلف در رابطه با اتهامات متعدد
- ۱۲۸- اصلاح اتهامات
- ۱۲۹- اعلام حکم درخصوص تأیید اتهامات
- ۱۳۰- تأسیس شعبه دادرسی

فصل ۶. آیین دادرسی

- ۱۳۱- بایگانی [جریان] جلسه رسیدگی ارسالی توسط شعبه دادرسی مقدماتی
- ۱۳۲- وضعیت جلسات
- ۱۳۳- پیشنهادها [در خصوص] ایراد بر قابلیت استماع یا صلاحیت
- ۱۳۴- پیشنهادهای مربوط به جلسات محاکمه

- ۱۳۵- معاینه پزشکی متهم
- ۱۳۶- محاکمات مشترک و مجزا
- ۱۳۷- بایگانی جریان محاکمات
- ۱۳۸- حفظ ادله
- ۱۳۹- تصمیم در خصوص پذیرش جرم
- ۱۴۰- دستورالعمل‌ها برای اداره جلسات و ادای شهادت
- ۱۴۱- پایان [زمان ارائه] ادله و آخرین اظهارات
- ۱۴۲- جلسات شور
- ۱۴۳- رسیدگی‌های بیشتر راجع به موضوعات مربوط به محکومیت یا جبران خسارات
- ۱۴۴- ابلاغ احکام شعبه دادرسی

فصل ۷. مجازات‌ها

- ۱۴۵- تعیین مجازات
- ۱۴۶- تحمیل جریمه طبق ماده ۷۷ [اساسنامه]
- ۱۴۷- قرار ضرر و زیان
- ۱۴۸- قرار انتقال جریمه یا ضرر و زیان به صندوق امانی

فصل ۸. استیناف و تجدیدنظر

بند یک. مقررات کلی

- ۱۴۹- مقررات حاکم بر جلسات رسیدگی در شعبه استیناف

بند دو. استیناف در مقابل محکومیت، برائت، مجازات و دستورات جبران

خسارات

- ۱۵۰- استیناف
- ۱۵۱- آیین استیناف
- ۱۵۲- توقف استیناف
- ۱۵۳- حکم راجع به استیناف در مقابل دستورات جبران خسارت

بند سه. استیناف در مقابل سایر احکام

۱۵۴- استینافی که نیاز به اجازه دیوان ندارد

۱۵۵- استینافی که نیاز به اجازه دیوان دارد

۱۵۶- آیین استیناف

۱۵۷- توقف استیناف

۱۵۸- حکم استیناف

بند چهار. تجدیدنظر محکومیت یا مجازات

۱۵۹- تقاضای تجدیدنظر

۱۶۰- انتقال [محکوم علیه] به هدف تجدیدنظر [به مقر دیوان]

۱۶۱- تصمیم در خصوص تجدیدنظر

فصل ۹. جرایم و سوء رفتار علیه دیوان

بند یک. جرایم علیه اجرای عدالت طبق ماده ۷۰ [اساسنامه]

۱۶۲- اعمال صلاحیت

۱۶۳- اعمال اساسنامه و آیین دادرسی

۱۶۴- دوره‌های [زمانی] محدود

۱۶۵- تحقیق، تعقیب و محاکمه

۱۶۶- مجازات طبق ماده ۷۰ [اساسنامه]

۱۶۷- همکاری بین المللی و معاضدت قضایی

۱۶۸- عدم تجویز محاکمه مجدد برای جرم واحد (اعتبار امر محکوم‌به)

(*Ne bis in idem*)

۱۶۹- بازداشت فوری

بند دو. سوء رفتار نزد دیوان طبق ماده ۷۱ [اساسنامه]

۱۷۰- اخلال در جلسات رسیدگی

۱۷۱- امتناع از انجام دستور دیوان

۱۷۲- رفتار مشمول مواد ۷۰ و ۷۱ [اساسنامه]

فصل ۱۰. جبران خسارت برای شخص بازداشت شده یا محکوم علیه

۱۷۳- درخواست جبران خسارت

۱۷۴- آیین درخواست جبران خسارت

۱۷۵- مبلغ جبران خسارت

فصل ۱۱. همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی

بند یک. درخواست‌های همکاری طبق ماده ۸۷ [اساسنامه]

۱۷۶- ارکان صلاحیت‌دار دیوان به منظور ارسال و دریافت هر نوع اطلاعات مربوط به همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی

۱۷۷- مجاری ارتباط

۱۷۸- زبان منتخب کشورهای عضو طبق بند ۲، ماده ۸۷ [اساسنامه]

۱۷۹- زبان [مورد استفاده] برای تقاضا از کشورهای غیر عضو اساسنامه

۱۸۰- تغییرات در مجاری ارتباط یا زبان‌های [مورد استفاده] در تقاضاهای همکاری

بند دو. تحویل، انتقال و درخواست‌های موازی طبق مواد ۸۹ و ۹۰

[اساسنامه]

۱۸۱- ایراد به قابلیت استماع دعوی نزد دادگاه ملی

۱۸۲- درخواست انتقال طبق بند ۳ (ه)، ماده ۸۹ [اساسنامه]

۱۸۳- امکان تحویل موقت

۱۸۴- ترتیبات تحویل

۱۸۵- آزادی شخص از بازداشت دیوان قبل از اتمام دوره محکومیت

۱۸۶- درخواست‌های موازی در زمینه ایراد به قابلیت استماع دعوا

بند سه. مدارک [درخواست] بازداشت و تحویل [متهم] طبق مواد ۹۱ و

۹۲ [اساسنامه]

۱۸۷- ترجمه مدارک به همراه درخواست تحویل

- ۱۸۸- محدوده زمانی برای تسلیم مدارک بعد از بازداشت موقت
- ۱۸۹- ارسال مدارک مؤید درخواست
- بند چهارم. همکاری طبق ماده ۹۳ [اساسنامه]
- ۱۹۰- تصمیم در خصوص مجرم قلمداد نمودن خود به همراه درخواست برای شهادت
- ۱۹۱- تضمین دیوان طبق بند ۲، ماده ۹۳ [اساسنامه]
- ۱۹۲- انتقال شخص در بازداشت
- ۱۹۳- انتقال موقت شخص از کشور [محل] اجرای [حکم]
- ۱۹۴- درخواست همکاری از دیوان
- بند پنجم. همکاری طبق ماده ۹۸ [اساسنامه]
- ۱۹۵- تهیه اطلاعات
- بند ششم. قاعده اختصاصی بودن طبق ماده ۱۰۱ [اساسنامه]
- ۱۹۶- تهیه نظراتی در خصوص بند ۱، ماده ۱۰۱
- ۱۹۷- تعمیم اعراض
- فصل ۱۲. اجرا
- بند یک. نقش کشورها در اجرای مجازات حبس و تغییر دولت
- اجراکننده حکم طبق مواد ۱۰۳ و ۱۰۴ [اساسنامه]
- ۱۹۸- ارتباطات بین دیوان و کشورها
- ۱۹۹- رکن مسؤول طبق بخش ۱۰ [اساسنامه]
- ۲۰۰- فهرست کشورهای اجرا کننده حکم
- ۲۰۱- اصول توزیع عادلانه
- ۲۰۲- موعد تحویل محکوم علیه به کشور مورد نظر جهت اجرای حکم
- ۲۰۳- دیدگاههای محکوم علیه
- ۲۰۴- اطلاعات ارائه شده به کشور منتخب برای اجرای حکم
- ۲۰۵- عدم پذیرش از سوی کشور منتخب برای اجرای حکم در قضیه‌ای خاص

- ۲۰۶- تحویل محکوم علیه به کشور اجرا کننده حکم
- ۲۰۷- عبور
- ۲۰۸- هزینه‌ها
- ۲۰۹- تغییر کشور منتخب برای اجرای حکم
- ۲۱۰- آیین تغییر کشور منتخب برای اجرای حکم
- بند دو، اجرا، نظارت و انتقال طبق مواد ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۰۷ [اساسنامه]
- ۲۱۱- نظارت بر اجرای مجازات و شرایط حبس
- ۲۱۲- اطلاعات در خصوص محل محکوم علیه برای اعمال جزای نقدی، مصادره اموال یا اقدامات جبران خسارت
- ۲۱۳- آیین بند ۳، ماده ۱۰۷ [اساسنامه]
- بند سه، محدودیت در خصوص تعقیب یا مجازات در مورد سایر جرایم
- طبق ماده ۱۰۸ [اساسنامه]
- ۲۱۴- درخواست تعقیب یا اجرای حکم برای عمل قبلی
- ۲۱۵- تصمیم در خصوص درخواست تعقیب یا اجرای حکم
- ۲۱۶- اطلاعات در خصوص اجرای حکم
- بند چهار، اعمال جزای نقدی، اقدامات [مربوط به] مصادره اموال و قرار جبران خسارت
- ۲۱۷- همکاری و اقدامات برای اعمال جزای نقدی، مصادره اموال یا قرار جبران خسارت
- ۲۱۸- قرارهای مصادره اموال و جبران خسارات
- ۲۱۹- عدم تغییر قرارهای جبران خسارت
- ۲۲۰- عدم تغییر احکامی که در مورد جزای نقدی تحمیل شده است
- ۲۲۱- تصمیم در خصوص انتقال یا واگذاری مال یا دارایی
- ۲۲۲- همکاری برای ارائه خدمات یا هر نوع اقدام دیگر

بند پنج. بررسی [مسأله] تخفیف مجازات طبق ماده ۱۱۰ [اساسنامه]

۲۲۳- معیار بررسی تخفیف مجازات

۲۲۴- آیین بررسی تخفیف مجازات

بند شش. فرار

۲۲۵- تدابیر طبق ماده ۱۱۱ در صورت فرار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصل ۱. مقررات کلی

ماده ۱. کاربرد اصطلاحات

در سند حاضر:

- «ماده» به مواد اساسنامه رم اشاره دارد؛
- «شعبه» به شعبه دیوان اشاره دارد؛
- «بخش» به بخش‌های اساسنامه رم اشاره دارد؛
- «قاضی رئیس» به رئیس شعبه اشاره دارد؛
- «رئیس» به رئیس دیوان اشاره دارد؛
- «مقررات» به مقررات دیوان اشاره دارد؛
- «مواد» به مواد آیین دادرسی و ادله اشاره دارد.

ماده ۲. متون معتبر

مواد [آیین دادرسی] به زبان‌های رسمی دیوان که در بند ۱، ماده ۵۰ [اساسنامه]، وضع شده، تصویب شده است. همه متون دارای اعتبار برابر هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ماده ۳. اصلاحات

۱- اصلاحات بر این مواد [آیین دادرسی]، که طبق بند ۲، ماده ۵۱ [اساسنامه]، پیشنهاد می‌شوند، به رئیس دفتر مجمع دولتهای عضو فرستاده می‌شود.

۲- رئیس دفتر مجمع دولتهای عضو اطمینان می‌دهد که همه اصلاحات پیشنهادی به زبان‌های رسمی دیوان ترجمه شود و برای دولتهای عضو ارسال گردد.

۳- همچنین، آیین توصیف شده در مواد فرعی ۱ و ۲ [فوق]، بر قواعد موقتی مورد اشاره در بند ۳، ماده ۵۱ [اساسنامه]، اعمال می‌شود.

فصل ۲. ترکیب و اداره دیوان

بند یک. مقررات کلی مربوط به ترکیب و اداره دیوان

ماده ۴. جلسات عمومی

۱- قضات در کمتر از دو ماه بعد از انتخابشان در جلسه عمومی گرد هم می‌آیند. در اولین نشست، پس از انجام تعهد رسمی مطابق با ماده ۵ [آیین دادرسی]، قضات:

(الف) رئیس و معاونان را انتخاب می‌نمایند؛

(ب) قضات را برای بخش‌های [مختلف] منصوب می‌نمایند.

۲- قضات، متعاقباً، حداقل یکبار در سال در قالب جلسه‌ای عمومی، برای انجام وظایفشان طبق اساسنامه، آیین دادرسی و مقررات دیوان، گرد هم می‌آیند و در صورت نیاز بنابر پیشنهاد رئیس دیوان یا درخواست نیمی از قضات، جلسات عمومی فوق العاده برگزار می‌گردد.

۳- حد نصاب [تعداد] برای هر جلسه عمومی دو سوم [تعداد] قضات می‌باشد.

۴- احکام جلسات عمومی دیوان با رأی اکثریت قضات حاضر صادر می‌شود، مگر این که اساسنامه یا آیین دادرسی ترتیب دیگری را مقرر کرده باشد. در صورت برابری آراء، رئیس دیوان یا قاضی عهده‌دار مقام ریاست، دارای رأی تعیین کننده می‌باشد.

۵- مقررات دیوان باید در سریع‌ترین زمان ممکن در جلسات عمومی تصویب شود.

ماده ۵. تعهد رسمی طبق ماده ۴۵ [اساسنامه]

۱- [ترکیب دیوان] قبل از آغاز انجام وظایفشان طبق ماده ۴۵ [اساسنامه]، تعهد رسمی ذیل را بر عهده می‌گیرند:
(الف) در مورد قاضی؛

«من رسماً تعهد می‌نمایم که وظایفم را اجرا نمایم و صلاحیت‌هایم را به عنوان قاضی دیوان بین‌المللی کیفری در کمال صداقت، وفاداری، بی‌طرفی و با وجدان کامل اعمال نمایم و به محرمانه بودن تحقیقات و تعقیبات و سری بودن جلسات شور احترام بگذارم.»

(ب) در مورد دادستان، معاون دادستان، مدیر دفتر و معاون مدیر دفتر [دیوان]؛

«من رسماً تعهد می‌نمایم که وظایفم را انجام دهم و صلاحیت‌هایم را به عنوان (دادستان، معاون دادستان، مدیر دفتر و معاون مدیر دفتر) دیوان بین‌المللی کیفری در کمال صداقت، وفاداری، بی‌طرفی و وجدان کامل اعمال نمایم و به محرمانه بودن تحقیقات و تعقیبات احترام بگذارم.»

۲- [متن] تعهد نامه که توسط افراد فوق امضاء و از سوی رئیس یا یکی از معاونان رئیس دفتر مجمع دولتهای عضو گواهی شده، در دفتر دیوان ثبت و در بایگانی نگهداری می‌شود.

ماده ۶. تعهد رسمی کارکنان دفتر دادستانی، دفتر دیوان، مترجمان همزمان و مترجمان

۱- هر عضو دفتر دادستانی و دفتر دیوان، قبل از آغاز انجام وظایفشان، تعهد رسمی ذیل را بر عهده می‌گیرند:

«من رسماً تعهد می‌نمایم که وظایفم را انجام دهم و صلاحیت‌هایم را به عنوان (کارمند دفتر دادستانی، دفتر دیوان) دیوان بین‌المللی کیفری در کمال صداقت، وفاداری، بی‌طرفی و وجدان کامل اعمال نمایم و به محرمانه بودن تحقیقات و تعقیبات احترام بگذارم».

[متن] تعهدنامه که توسط افراد فوق امضاء و از سوی دادستان، معاون دادستان، و مدیر دفتر [دیوان] یا معاون مدیر دفتر گواهی شده، در دفتر دیوان ثبت و در بایگانی نگهداری می‌شود.

۲- مترجمان یا مترجمان همزمان قبل از انجام هر وظیفه‌ای، تعهد رسمی ذیل را بر عهده می‌گیرند:

«من رسماً تعهد می‌نمایم که وظایفم را در کمال وفاداری و بی‌طرفی و با رعایت کامل رازداری انجام دهم».

[متن] تعهد نامه که توسط افراد فوق امضاء و از سوی رئیس دیوان یا نماینده وی گواهی شده، در دفتر دیوان ثبت و در بایگانی نگهداری می‌شود.

ماده ۷. قاضی منفرد طبق بند ۲ (ب) (سه)، ماده ۳۹ [اساسنامه]

۱- هنگامی که شعبه دادرسی مقدماتی قاضی‌ای را به عنوان قاضی منفرد طبق بند ۲ (ب) (سه)، ماده ۳۹ [اساسنامه]، انتخاب می‌کند، [این انتخاب را] براساس معیار از پیش مقرر شده، انجام می‌دهد.

۲- قاضی منتخب، تصمیمات مقتضی را در مورد مسائلی که در اساسنامه و یا در آیین دادرسی دیوان، تصمیم‌گیری در مورد آنها توسط کل اعضای شعبه صریحاً پیش‌بینی نشده، اتخاذ می‌کند.

۳- شعبه دادرسی مقدماتی در صورت مقتضی، بنابر پیشنهاد خود یا به درخواست یکی از اعضایش می‌تواند تصمیم بگیرد که وظایف قاضی منفرد توسط کل اعضای شعبه انجام شود.

ماده ۸. مجموعه مقررات رفتار شغلی

۱- هیأت رئیسه، بنابر پیشنهاد مدیر دفتر [دیوان]، طرح مجموعه مقررات رفتار شغلی برای مشاوران حقوقی را پس از مشورت با دادستان آماده می‌کند. در تهیه طرح، مدیر دفتر [دیوان] مشورتهایی را طبق ماده فرعی ۳، ماده ۲۰ [آیین دادرسی]، انجام می‌دهد.

۲- طرح مجموعه مقررات رفتار شغلی به مجمع دولتهای عضو به منظور تصویب طبق بند ۷، ماده ۱۱۲ [اساسنامه]، ارجاع می‌شود.

۳- این مجموعه مقررات رفتار شغلی متضمن آیین‌های مربوط به اصلاح نیز می‌باشد.

بند دو. دفتر دادستانی

ماده ۹. نحوه فعالیت دفتر دادستانی

دادستان در ایفای مسؤولیت خود به منظور مدیریت و اداره دفتر دادستانی، مقرراتی را در باب نحوه فعالیت دفتر مقرر می‌دارد. دادستان در تهیه یا اصلاح این مقررات با مدیر دفتر [دیوان] در مورد موضوعاتی که به نحوه فعالیت دفتر دیوان تأثیر می‌گذارد، مشورت می‌نماید.

ماده ۱۰. نگهداری اطلاعات و مدارک

دادستان مسؤول نگهداری، حفاظت و امنیت اطلاعات و ادله عینی جمع‌آوری شده در جریان تحقیقات به عمل آمده توسط دفترش، می‌باشد.

ماده ۱۱. تفویض وظایف دادستان

دادستان یا معاون دادستان می‌توانند به اعضای دفتر دادستانی اجازه دهند که به نمایندگی از جانب او به اجرای وظایف وی به استثنای اختیارات ذاتی دادستان، پیش‌بینی شده در اساسنامه و از جمله موارد توصیف‌شده در مواد ۱۵ و ۵۳ [اساسنامه]، و آن مواردی که در بند ۴، ماده ۴۴ [اساسنامه]، بدان اشاره شده، بپردازد.

بند سه. دفتر دیوان

بند فرعی یک. مقررات کلی مربوط به دفتر دیوان

ماده ۱۲. صلاحیت‌ها و انتخاب مدیر دفتر و معاون مدیر دفتر

۱- به محض این که هیأت رئیسه [دیوان] انتخاب گردید، فهرستی از نامزدهای واجد شرایط بند ۳، ماده ۴۳ [اساسنامه]، را تهیه نموده و به همراه درخواستی مبنی بر صدور توصیه‌نامه‌های لازم به مجمع دولتهای عضو ارسال می‌دارد.

۲- با دریافت توصیه‌نامه‌هایی از مجمع دولتهای عضو، رئیس بدون فوت وقت، فهرست را به همراه توصیه‌نامه‌هایی به جلسه عمومی [دیوان] ارسال می‌کند.

۳- همانطوری که در بند ۴، ماده ۴۳ [اساسنامه]، پیش‌بینی گردیده، تا حد امکان، دیوان در اولین نشست جلسه عمومی با اکثریت مطلق، مدیر دفتر دیوان را با لحاظ توصیه‌نامه‌های مجمع دولتهای عضو، انتخاب می‌کند. اگر هیچ کدام از نامزدها اکثریت مطلق در این نشست را کسب نکردند، مجدداً رأی‌گیری در همان جلسه صورت می‌پذیرد تا این که یک نامزد اکثریت مطلق را به دست آورد.

۴- در صورت نیاز به انتخاب معاون مدیر دفتر، مدیر دفتر به رئیس در انجام این امر توصیه می‌نماید، رئیس به منظور تصمیم درباره این موضوع دعوت به تشکیل جلسه عمومی می‌کند. اگر دیوان در نشست جلسه عمومی با اکثریت مطلق تصمیم به انتخاب معاون مدیر دفتر گرفت، مدیر دفتر فهرستی از نامزدها را به دیوان ارسال می‌کند.

۵- معاون مدیر دفتر [دیوان] نیز به همان روشی که مدیر دفتر در جلسه عمومی دیوان انتخاب می‌شود، انتخاب خواهد شد.

ماده ۱۳. وظایف مدیر دفتر

۱- بدون تضییع صلاحیت دفتر دادستانی طبق اساسنامه، در دریافت، کسب و تهیه اطلاعات و ایجاد مجاری ارتباطی برای این منظور، مدیر دفتر این مجاری ارتباطی دیوان را به کار می‌گیرد.

۲- همچنین مدیر دفتر مسئول امنیت داخلی دیوان در مشورت با هیأت رئیسه، دادستان و نیز کشور میزبان می‌باشد.

ماده ۱۴. نحوه فعالیت دفتر دیوان

۱- مدیر دفتر در ایفاء مسؤولیت خود برای ساماندهی و مدیریت دفتر دیوان، مقرراتی را در باب اداره و فعالیت دفتر مقرر می‌دارد و در تهیه یا اصلاح این مقررات، با دادستان در موضوعاتی که بر نحوه فعالیت دفتر دادستانی تأثیر می‌گذارد، مشورت می‌نماید. این مقررات توسط هیأت رئیسه تصویب می‌شود.

۲- این مقررات برای وکلای مدافع، موجبات همکاری اداری مقتضی و معقول از طرف دفتر دیوان را فراهم خواهد آورد.

ماده ۱۵. پرونده‌ها

۱- مدیر دفتر، بانک اطلاعاتی حاوی جزئیات هر پرونده مطرح شده نزد دیوان را نگهداری می‌کند که این امر منوط به دستور قاضی یا شعبه به منظور عدم افشاء اسناد یا اطلاعات و حفظ اطلاعات شخصی حساس، می‌باشد. اطلاعات در بانک اطلاعاتی و به زبان‌های کاری دیوان در دسترس عموم می‌باشد.

۲- همچنین مدیر دفتر سایر پرونده‌های دیوان را نگهداری می‌کند.

بند فرعی دو. واحد قربانیان و شهود

ماده ۱۶. مسؤولیت‌های مدیر دفتر در رابطه با قربانیان و شهود

۱- مدیر دفتر در رابطه با قربانیان، مسؤول اجرای وظایف ذیل طبق اساسنامه و آیین دادرسی می‌باشد:

(الف) تهیه اطلاعیه یا ابلاغیه برای قربانیان یا نمایندگان قانونی‌شان؛
(ب) مساعدت با آنان در برخورداری از مشاور حقوقی و سازماندهی نماینده‌های قانونی‌شان و برخوردارنمودن این نمایندگان از حمایت، مساعدت و اطلاعات کافی شامل تسهیلات ضروری در اجرای مستقیم وظایفشان، به هدف حمایت از حقوق قربانیان در مراحل مختلف رسیدگی طبق مواد ۸۹ تا ۹۱ [آیین دادرسی]؛

(ج) مساعدت به آنان به منظور شرکت در مراحل مختلف رسیدگی طبق مواد ۸۹ تا ۹۱ [آیین دادرسی]؛

(د) اتخاذ اقدامات مربوط به حساسیت‌های جنسیتی جهت تسهیل شرکت قربانیان خشونت‌های جنسی در تمام مراحل دادرسی.

۲- در رابطه با قربانیان، شاهدان و دیگر اشخاصی که به علت ادای

شهادت شهود در خطر هستند، مدیر دفتر مسؤول اجرای وظایف ذیل طبق اساسنامه و آیین دادرسی می‌باشد:

(الف) مطلع ساختن آنان از حقوقشان طبق اساسنامه و آیین دادرسی و [مطلع ساختن آنان] از وجود وظایف و دسترسی به واحد قربانیان و شهود؛ (ب) اطمینان از این امر که آنها در زمان مقتضی از احکام صادره دیوان که می‌تواند بر منافعشان تأثیر داشته باشد، مطلع شوند، که این امر با رعایت مقررات مربوط به محرمانه بودن [آن احکام] صورت می‌گیرد؛

۳- مدیر دفتر به منظور اجرای وظایفش می‌تواند دفتر ثبت ویژه‌ای را برای قربانیانی که قصدشان را برای مشارکت در رابطه با قضیه‌ای مشخص بیان داشته‌اند، نگهداری کند؛

۴- توافقات در خصوص تغییر مکان و تأمین خدمات حمایتی در قلمروی کشوری که قربانیان مورد تهدید و آزار قرار گرفته‌اند و شهود و دیگر کسانی که به علت ادای شهادت شهود در خطر هستند، توسط مدیر دفتر و به نیابت از دیوان با دیگر کشورها، چنین توافقاتی محرمانه هستند.

ماده ۱۷. وظایف واحد

۱- واحد قربانیان و شهود وظایف خود را طبق بند ۶، ماده ۴۳ [اساسنامه]، انجام می‌دهد.

۲- همچنین، واحد قربانیان و شهود طبق اساسنامه و آیین دادرسی و با مشورت شعبه، دادستان و وکلای مدافع، وظایف ذیل را به طور مقتضی انجام می‌دهد:

(الف) در خصوص کلیه شهود و قربانیانی که نزد دیوان حاضر می‌شوند و دیگر کسانی که به علت ادای شهادت شهود طبق نیازها و

شرایط خاصشان در خطر هستند:

یک) تأمین اقدامات حفاظتی و امنیتی مناسب و ایجاد طرحهای حمایتی کوتاه مدت و بلند مدت، برای حفاظت از آنان؛
دو) توصیه به ارکان دیوان به منظور اتخاذ تدابیر حفاظتی و نیز مطلع نمودن دولتهای موردنظر از چنین تدابیری؛
سه) مساعدت برای مراقبتهای پزشکی، روانی و دیگر کمک‌های مناسب؛

چهار) فراهم نمودن زمینه آموزش برای دیوان و اعضای آن در خصوص مسائل مربوط به صدمات روحی، خشونت جنسی، امنیت و رازداری؛

پنج) مشورت با دفتر دادستانی، توصیه به تشریح مجموعه مقررات رفتار شغلی، تأکید بر ماهیت حیاتی امنیت و رازداری بازپرسان دیوان و وکلای مدافع و کلیه سازمان‌های بین‌الدولی و غیردولتی عمل‌کننده به درخواست دیوان؛

شش) همکاری لازم با دولتها به منظور اتخاذ تدابیر مندرج در این ماده؛

(ب) در خصوص شهود:

یک) مطلع نمودن آنها در خصوص برخورداری از مشاوره حقوقی به هدف حمایت از حقوقشان، بویژه در رابطه با ادای شهادت؛
دو) مساعدت با آنان در مواقعی که برای ادای شهادت نزد دیوان فرا خوانده می‌شوند؛

سه) اتخاذ تدابیری با توجه به حساسیت ناشی از جنسیت برای تسهیل در ادای شهادت قربانیان خشونت جنسی در تمامی مراحل رسیدگی.

۳- واحد قربانیان و شهود در اجرای وظایفش توجه متناسب به

نیازهای خاص کودکان، افراد مسن و افراد معلول دارد. برای تسهیل در مشارکت و حمایت از کودکان به عنوان شهود، به طور مقتضی، با توافق والدین یا ولی قانونی، شخصی را به عنوان حامی کودک در مساعدت به او در تمامی مراحل رسیدگی منصوب می‌کند.

ماده ۱۸. مسؤولیت‌های واحد

- واحد قربانیان و شهود به منظور اجرای کارآمد و مؤثر وظیفه‌اش:
- (الف) تضمین می‌کند که کارکنان در واحد، در تمامی اوقات رازداری را حفظ می‌کنند؛
- (ب) با در نظر گرفتن منافع خاص دفتر دادستانی، وکلای مدافع و شهود و احترام به منافع شهود، در جایی که ضروری است، با حفظ تفکیک مناسب، خدمات پیش‌بینی شده در تعقیب و دفاع از شهود را، در نظر می‌گیرد و در زمان همکاری با اعضاء طبق احکام و آرای شعب، بی طرف عمل می‌کند؛
- (ج) مساعدت مناسب اداری و فنی قابل دسترس را برای شهود و قربانیانی که نزد دیوان برای ادای شهادت حاضرند و دیگر کسانی که به علت ادای شهادت شهود در خطر هستند، در طی تمامی مراحل رسیدگی و بعد از آن فراهم می‌نماید؛
- (د) [زمینه] آموزش کارکنانش را برای رعایت امنیت، تمامیت و شأن قربانیان و شهود، از جمله موضوعات مربوط به جنسیت و حساسیتهای فرهنگی تضمین می‌نماید؛
- (ه) در موارد مقتضی با سازمان‌های بین‌الدولی و غیردولتی همکاری می‌کند.

ماده ۱۹. تخصص در واحد

علاوه بر کارکنان مورد اشاره در بند ۶، ماده ۴۳ [اساسنامه]، و [با رعایت] ماده ۴۴ [اساسنامه]، واحد قربانیان و شهود می‌تواند در صورت نیاز، متخصصانی در زمینه‌های ذیل به کار گیرد:

(الف) حفاظت و امنیت شهود؛

(ب) مسائل حقوقی و اداری، در زمینه‌های حقوق بشردوستانه و

حقوق جزا؛

(ج) مدیریت پشتیبانی؛

(د) جنبه‌های روانشناختی در دادرسی‌های کیفری؛

(هـ) تنوع جنسیتی و فرهنگی؛

(و) کودکان، بویژه کودکان صدمه دیده؛

(ز) افراد مسن، بویژه در ارتباط با تعارضات مسلحانه و صدمات

ناشی از تبعید؛

(ح) معلولان؛

(ط) فعالیت و مشاوره اجتماعی؛

(ی) مراقبت‌های بهداشتی؛

(ک) ترجمه و ترجمه همزمان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بند فرعی سه. وکیل مدافع

ماده ۲۰. مسؤولیت‌های مدیر دفتر در خصوص حقوق دفاع

۱- طبق بند ۱، ماده ۴۳ [اساسنامه]، مدیر دفتر، کارکنان دفتر را به طریقی سازماندهی می‌کند که حقوق دفاع را در ارتباط با اصل دادرسی عادلانه، به طوری که در اساسنامه تعریف شده، ارتقاء دهند. از جمله، برای آن هدف مدیر دفتر باید:

(الف) حفظ رازداری را، به طوری که در بند ۱ (ب)، ماده ۶۷ [اساسنامه]، تعریف شده، فراهم نماید؛

(ب) حمایت، مساعدت و اطلاعات را برای کل وکلای مدافع حاضر نزد دیوان به طور مناسب فراهم نموده و از کارآگاهان حرفه‌ای برای رفتار کارآمد و مؤثر دفاع، حمایت کند؛

(ج) به اشخاص بازداشت شده، افراد مشمول بند ۲، ماده ۵۵ [اساسنامه] و متهمان در برخورداری از مشاوره و معاضدت حقوقی مساعدت نماید؛

(د) در صورت لزوم دادستان و شعبات را در خصوص دفاع در مسائل مربوط راهنمایی کند؛

(ه) عمل دفاع را با امکاناتی که ممکن است برای اجرای مستقیم وظیفه دفاع ضروری باشد، مهیا کند؛

(و) انتشار اطلاعات و تصمیمات قضایی دیوان را برای وکلای مدافع فراهم نماید، و در صورت مقتضی، با مؤسسات مشاوره‌ای و کانون وکلای ملی یا هر نهاد نمایندگی مستقل مشاوره‌ای [حقوقی] و مؤسسات حقوقی مورد اشاره در ماده فرعی ۳ [ذیل] به منظور ارتقاء تخصص و آموزش حقوقدانان در زمینه قوانین اساسنامه و آیین دادرسی همکاری نماید.

۲- مدیر دفتر، وظایف مصرح در ماده فرعی ۱ [فوق]، از جمله مدیریت مالی دفتر [دیوان] به روشی که استقلال شغلی و کیل مدافع را تضمین کند، انجام می‌دهد.

۳- برای اهدافی از قبیل مدیریت معاضدت حقوقی طبق ماده ۲۱ [آیین دادرسی]، توسعه مجموعه مقررات رفتار شغلی طبق ماده ۸ [آیین دادرسی]، در صورت مقتضی، مدیر دفتر با هر نهاد نمایندگی مستقل مشاوره‌ای [حقوقی] یا مؤسسات حقوقی و از جمله هر نهادی که توسط

مجمع دولتهای عضو تأسیس می‌شود، مشورت می‌کند.

ماده ۲۱. تعیین مشاور حقوقی

۱- با رعایت بند ۲ (ج)، ماده ۵۵ [اساسنامه] و بند ۱ (د)، ماده ۶۷ [اساسنامه]، معیارها و آیین‌های تعیین مشاور حقوقی باید در مقررات [دیوان] که مبتنی بر پیشنهاد مدیر دفتر و متعاقب مشورت با هر نهاد نمایندگی مستقل مشاوره‌ای [حقوقی] یا مؤسسات حقوقی مورد اشاره در ماده فرعی ۳ ماده ۲۰ [آیین دادرسی] است، مقرر گردد.

۲- مدیر دفتر باید فهرستی را از مشاوران [حقوقی] که دارای معیار پیش‌بینی شده در ماده ۲۲ [آیین دادرسی] و مقررات [دیوان] می‌باشند، تهیه و نگهداری کند. شخص ذی‌نفع باید آزادانه از این فهرست مشاور خود را برگزیند یا مشاور دیگری را که دارای معیارهای مورد نظر بوده و تمایل دارد که نامش در این فهرست درج شود، انتخاب نماید.

۳- هر شخصی می‌تواند از هیأت رئیسه خواهان بررسی تصمیمی که منجر به رد درخواست انتصاب [وی به عنوان] مشاور شده، بشود. تصمیم هیأت رئیسه قطعی است. اگر درخواست شخص رد شود، وی می‌تواند درخواست دیگری که دال بر تغییر در شرایط است را به مدیر دفتر ارائه کند.

۴- شخصی که خود را نامزد [فهرست مورد نظر می‌نماید] بایستی کتباً و در اولین فرصت مدیر دفتر را از این [امر] مطلع سازد.

۵- در صورتی که شخصی ادعای عدم استطاعت [مالی] برای پرداخت [هزینه‌های] معاضدت حقوقی کند و [مشخص شود که] چنین چیزی صحت نداشته است، شعبه رسیدگی کننده به آن قضیه، می‌تواند دستور جبران هزینه مشاوره ارائه شده را صادر کند.

ماده ۲۲. انتصاب و صلاحیت‌های وکیل مدافع

۱- وکیل مدافع بایستی دارای صلاحیت شناخته شده در حقوق بین‌الملل یا حقوق کیفری [بین‌المللی] و آیین دادرسی و نیز دارای دانش و تجربه لازم خواه به عنوان قاضی، دادستان، وکیل، و یا دارای توانایی‌های مشابه دیگر در رسیدگی‌های کیفری باشد. وی باید آشنایی و تسلط کامل بر حداقل یک زبان کاری دیوان داشته باشد. اشخاص دیگر همچون اساتید حقوق با تخصص مربوط می‌توانند وکیل مدافع را در این امر یاری کنند.

۲- هر شخص که وکیل مدافع را برای بهره‌مندی از حقتش طبق اساسنامه و برخورداری از مشاوره حقوقی استخدام می‌کند، باید اختیارات وکیل را در اولین فرصت به مدیر دفتر اعلام کند.

۳- وکلای مدافع در اجرای وظایفشان تابع اساسنامه، آیین دادرسی، مقررات [دیوان]، مجموعه مقررات رفتار شغلی برای مشاور [حقوقی] طبق ماده ۸ [آیین دادرسی] و هر سند دیگر مصوب دیوان که در ارتباط با اجرای وظایفشان است، می‌باشند.

بند چهار. وضعیت‌هایی که بر عملکرد دیوان تأثیر می‌گذارد

بند فرعی یک. عزل و اقدامات انضباطی

ماده ۲۳. اصل کلی

قاضی، دادستان، معاون دادستان، مدیر دفتر و معاون مدیر دفتر با توجه به موارد و تضمین‌های مقرر در اساسنامه و آیین دادرسی عزل یا تابع اقدامات انضباطی می‌شوند.

ماده ۲۴. تعریف سوء رفتار شدید و قصور جدی در [انجام] وظایف
[محواله]

۱- از لحاظ بند ۱ (الف) ماده ۴۶ [اساسنامه]، «سوء رفتار شدید» رفتاری را دربرمی‌گیرد که:

(الف) در جریان وظایف رسمی اتفاق بیفتد؛ در تعارض با وظایف رسمی باشد و مسبب یا باعث ایجاد لطمه جدی محتمل به اجرای کامل عدالت نزد دیوان یا عملکرد داخلی درست دیوان شود، [خطای] نظیر:

(یک) فاش نمودن حقایق یا اطلاعاتی که شخص در جریان انجام وظایفش یا در جریان رسیدگی قضایی (*sub judice*) به دست می‌آورد که چنین افشاگری‌ای لطمه جدی به رسیدگی قضایی یا به هر شخص دیگر می‌باشد؛

(دو) پنهان کردن اطلاعات یا وضعیت‌های مهمی که ماهیتاً به اندازه کافی جدی هستند تا وی را از انجام وظایف شغلی‌اش بازدارند؛
(سه) سوءاستفاده از مقام قضایی برای گرفتن امتیاز ناروا از هر یک از مقامات، مسئولان یا متخصصان؛ یا

(ب) اگر رفتاری خارج از جریان وظایف باشد و دارای اهمیت باشد به طوری که مسبب یا ظاهراً باعث ایجاد لطمه جدی به موقعیت دیوان شود.
۲- از لحاظ بند ۱ (الف)، ماده ۴۶ [اساسنامه]، «قصور جدی از وظایف» هنگامی است که شخص در انجام وظایفش سهل‌انگاری جدی کرده است یا عامدانه خلاف وظایف شغلی خود عمل نماید. این رفتار می‌تواند شامل وضعیت‌هایی باشد که شخص:

(یک) در اجرای وظیفه درخواست برای معذوریت [از انجام وظیفه] با علم به این که مبنایی برای این کار وجود دارد، قصور ورزد؛
(دو) مکرراً باعث تأخیر بی مورد در طرح دعوا، تعقیب یا رسیدگی

به قضایا یا در اعمال اختیارات قضایی شود.

ماده ۲۵. تعریف خطا با ماهیت خفیف تر

۱- از لحاظ ماده ۴۷ [اساسنامه]، مفهوم «خطا با ماهیت خفیف تر» رفتاری را دربرمی گیرد که:

(الف) اگر خطا در جریان وظایف رسمی اتفاق بیفتد، مسبب یا باعث ایجاد لطمه محتمل به اجرای کامل عدالت نزد دیوان یا عملکرد داخلی درست دیوان شود، [خطای] نظیر:

یک) دخالت در اعمال وظایف شخص مورد اشاره در ماده ۴۷ [اساسنامه]؛

دو) قصور مکرر در انجام یا نادیده گرفتن درخواستهای رئیس شعبه یا هیأت رئیسه در اجرای اختیارات قانونی شان؛

سه) قصور در اجرای اقدامات انضباطی که مدیر دفتر [دیوان]، معاون مدیر دفتر و دیگر کارمندان دیوان مستوجب آن هستند، و این در مواقعی است که قاضی می داند یا احتمال دارد بداند که قصور جدی در انجام وظایف از ناحیه آنها بوده است؛ یا

(ب) اگر خطا در خارج از جریان وظایف رسمی اتفاق بیفتد، و مسبب یا باعث ایجاد لطمه محتمل به موقعیت دیوان شود.

۲- هیچ چیز در ماده حاضر، مانع امکان اجرای مقرر در ماده فرعی ۱ (الف) [فوق] در مورد وجود «سوء رفتار شدید» یا «قصور جدی در وظیفه» را از لحاظ بند ۱ (الف)، ماده ۴۶ [اساسنامه]، نمی شود.

ماده ۲۶. پذیرش شکایات

۱- از لحاظ بند ۱، ماده ۴۶ و ماده ۴۷ [اساسنامه]، هر شکایتی در

مورد هر نوع رفتار تعریف شده، طبق مواد ۲۴ و ۲۵ [آیین دادرسی] باید شامل مبانی که بر آن مبتنی است، از جمله هویت شاکی در صورت وجود، و هر مدرک مرتبط، باشد. شکایت به صورت محرمانه باقی می ماند.

۲- تمامی شکایات به هیأت رئیسه ارسال می شود که می تواند بر اساس پیشنهاد آنها، رسیدگی آغاز شود و متعاقب مقررات [دیوان] شکایات بی نام یا بی اساس کنار گذاشته می شود و سایر شکایات به رکن صلاحیتدار ارسال می گردد. یک یا چند قاضی منصوب، بر اساس دوره تناوبی خودکار طبق مقررات [دیوان]، هیأت رئیسه را در این وظیفه یاری می کنند.

ماده ۲۷. مقررات کلی در خصوص حقوق دفاع

۱- هنگامی که تصمیم به عزل کسی از وظایفش بر اساس ماده ۴۶ [اساسنامه]، یا تصمیم به اقدامات انضباطی طبق ماده ۴۷ [اساسنامه]، گرفته می شود، به شخص مورد نظر به صورت کتبی اطلاع داده می شود.

۲- شخص مورد نظر فرصت کافی برای ارائه و دریافت ادله، ارسال لایحه و تهیه پاسخ برای هر سؤالی که از وی می شود، خواهد داشت.

۳- شخص مورد نظر می تواند از [خدمات] مشاوره در اثنای فرایند رسیدگی طبق این مقرر به بهره مند شود.

ماده ۲۸. تعلیق از خدمت

هنگامی که ادعاهای علیه کسی که موضوع شکایت است، به اندازه کافی ماهیت جدی دارد، شخص مورد نظر از انجام وظایف با رأی قطعی رکن صلاحیتدار، معلق می شود.

ماده ۲۹. شیوه کار در صورت درخواست عزل از سمت

- ۱- در مورد عزل قاضی، مدیر دفتر یا معاون مدیر دفتر، این مسأله باید در جلسه عمومی به رأی گیری گذارده شود.
- ۲- هیأت رئیسه، هر پیشنهادی در مورد قاضی، یا هر تصمیم اتخاذ شده در خصوص مدیر دفتر یا معاون مدیر دفتر را به صورت کتبی به رئیس دفتر مجمع دولتهای عضو اطلاع می دهد.
- ۳- دادستان هر پیشنهادی را که وی در مورد معاون خویش بیان می دارد به صورت کتبی به اطلاع رئیس دفتر مجمع دولتهای عضو می رساند.
- ۴- هنگامی که رفتار شامل سوء رفتار شدید یا قصور جدی در انجام وظایف محوله نشود، طبق ماده ۴۷ [اساسنامه]، تصمیم گرفته می شود که شخص مورد نظر مرتکب خطا با ماهیت خفیف تر و با تحمیل اقدامات انضباطی، شده است.

ماده ۳۰. شیوه کار در صورت درخواست اقدامات انضباطی

- ۱- در مورد قاضی، مدیر دفتر یا معاون مدیر دفتر، هر تصمیمی برای اعمال اقدام انضباطی، از سوی هیأت رئیسه اتخاذ می گردد.
- ۲- در مورد دادستان، تصمیم برای اعمال اقدام انضباطی، از سوی اکثریت مطلق مجمع دولتهای عضو اتخاذ می گردد.
- ۳- در مورد معاون دادستان:
 - (الف) هر تصمیمی در خصوص توبیخ [معاون] توسط دادستان صورت می گیرد؛
 - (ب) هر تصمیمی برای تحمیل جریمه نقدی با پیشنهاد دادستان و با رأی اکثریت مطلق دفتر مجمع دولتهای عضو صورت می گیرد.
- ۴- توبیخ ها باید به صورت کتبی ثبت شوند و برای رئیس دفتر

مجمع دولتهای عضو ارسال گردد.

ماده ۳۱. عزل از سمت

به محض این که [حکم] عزل اعلام شود، فوراً نافذ خواهد بود و شخص موردنظر بایستی از انجام کارهای دیوان دست بکشد که این [امر] شامل پرونده‌های ناتمام که وی در آن مشارکت دارد می‌شود.

ماده ۳۲. اقدامات انضباطی

اقدامات انضباطی که می‌تواند تحمیل شود، به قرار ذیل می‌باشد:

(الف) توبیخ؛ یا

(ب) جریمه نقدی، که [مبلغ آن] نباید بیش از شش ماه از حقوق پرداختی دیوان به شخص موردنظر باشد.

بند فرعی دو. معذوریت، عدم صلاحیت، فوت و استعفاء

ماده ۳۳. معذوریت قاضی، دادستان یا معاون دادستان

۱- هنگامی که قاضی، دادستان یا معاون دادستان در صدد [بیان] معذوریت نسبت به [انجام] وظایفش باشد باید به صورت کتبی درخواستی شامل دلایلی که وی بر اساس آن باید معاف شود، به هیأت رئیسه، ارائه نماید.

۲- هیأت رئیسه باید درخواست را به صورت محرمانه حفظ نماید و دلایل تصمیمش را بدون رضایت شخص مورد نظر منتشر نکند.

ماده ۳۴. عدم صلاحیت قاضی، دادستان یا معاون دادستان

۱- علاوه بر دلایل مقرر در بند ۲، ماده ۴۱ [اساسنامه] و بند ۷، ماده

۴۲ [اساسنامه]، مبانی عدم صلاحیت قاضی، دادستان یا معاون دادستان به قرار ذیل می‌باشد:

(الف) [وجود] منافع شخصی در قضیه‌ای، از جمله [حضور] همسر، والدین یا یکی از اعضای نزدیک خانواده وی، یا وجود رابطه شخصی و شغلی یا هر نوع وابستگی با اعضای حاضر در قضیه؛

(ب) مشارکت در هر رسیدگی حقوقی مطرح شده که وی قبلاً در آن قضیه حضور داشته، یا بعداً توسط وی مطرح شود که در آن قضایا شخص مورد تحقیق یا پیگرد طرف مقابل دعوا بوده یا می‌باشد؛

(ج) قبل از انجام وظیفه در این مقام، وی در اجرای وظایفی بوده که طی آن دیدگاهی را در قضیه مورد بحث نسبت به طرفین یا نسبت به نمایندگان قانونی‌شان داشته است که به طور قطع بر بی‌طرفی وی [در قضیه] تأثیر می‌گذارد؛

(د) بیان دیدگاهها، از طریق رسانه‌های همگانی، به صورت کتبی یا در اقدام عمومی، که به طور قطع بر بی‌طرفی وی [در قضیه] تأثیر می‌گذارد.

۲- با رعایت مقررات پیش‌بینی شده در بند ۲، ماده ۴۱ [اساسنامه] و بند ۸، ماده ۴۲ [اساسنامه] درخواست عدم صلاحیت باید به صورت کتبی باشد که در آن، اطلاعات در خصوص مبانی این درخواست وجود دارد. این درخواست باید مبانی را بیان کند و هرگونه مدارک مربوطه پیوست باشد و برای شخص مورد نظر که حق ارائه لوایح کتبی را دارد، ارسال شود.

۳- هر مسأله‌ای که در مورد عدم صلاحیت دادستان یا معاون دادستان باشد با تصمیم اکثریت قضات شعبه تجدیدنظر خواهد بود.

ماده ۳۵. وظیفه قاضی، دادستان یا معاون دادستان در خصوص درخواست معافیت [از انجام کار]

در صورتی که قاضی، دادستان یا معاون دادستان دلیلی دارد که می‌تواند مبنایی برای عدم صلاحیتش در رابطه با [قضیه] باشد، باید درخواستی برای این مسأله ارائه نماید و نباید در انتظار درخواست عدم صلاحیت مقرر طبق بند ۲، ماده ۴۱ [اساسنامه]، یا بند ۷، ماده ۴۲ [اساسنامه]، و ماده ۳۴ [آیین دادرسی]، باشد. درخواست ارائه شده توسط هیأت رئیسه بر اساس ماده ۳۳ [آیین دادرسی]، بررسی می‌شود.

ماده ۳۶. فوت قاضی، دادستان، معاون دادستان، مدیر دفتر یا معاون مدیر دفتر

هیأت رئیسه، فوت قاضی، دادستان، معاون دادستان، مدیر دفتر یا معاون مدیر دفتر، را به صورت کتبی به اطلاع رئیس دفتر مجمع دولتهای عضو می‌رساند.

ماده ۳۷. استعفاء قاضی، دادستان، معاون دادستان، مدیر دفتر یا معاون مدیر دفتر

۱- قاضی، دادستان، معاون دادستان، مدیر دفتر یا معاون مدیر دفتر، تصمیم به استعفای خود را باید به صورت کتبی به اطلاع هیأت رئیسه برسانند. هیأت رئیسه به صورت کتبی رئیس دفتر مجمع دولتهای عضو را [از این امر] مطلع می‌نماید.

۲- قاضی، دادستان، معاون دادستان، مدیر دفتر یا معاون مدیر دفتر باید سعی کنند [درخواست خود را] حداقل شش ماه قبل از تاریخی که استعفايشان دارای اثر می‌شود، اعلام نمایند. قبل از اینکه [درخواست]

استعفاء قاضی دارای اثر شود، وی باید تمامی مسؤولیتها را به پایان برساند.

بند فرعی سه، جایگزینی‌ها و قضات جانشین

ماده ۳۸. جایگزینی‌ها

۱- قاضی را می‌توان به دلایل عینی و موجه جایگزین کرد، از جمله:

(الف) استعفاء؛

(ب) عذر موجه؛

(ج) عدم صلاحیت؛

(د) عزل از سمت؛

(هـ) فوت.

۲- جایگزینی بر اساس آیین مقرر در اساسنامه، آیین دادرسی و

مقررات [دیوان] صورت می‌گیرد.

ماده ۳۹. قضات علی‌البدل

طبق بند ۱، ماده ۷۴ [اساسنامه]، هنگامی که قاضی علی‌البدل توسط

هیأت رئیسه برای شعبه دادرسی مقدماتی منصوب می‌شود می‌بایست در

تمام مراحل رسیدگی و جلسات شور حضور داشته باشد، اما وی نمی‌تواند

هیچ‌کدام از وظایف اعضای شعبه دادرسی مقدماتی رسیدگی کننده به قضیه

را انجام دهد و اظهار نظر نماید، مگر اینکه جانشین عضو شعبه دادرسی

مقدماتی شود و این در صورتی است که عضو [اصلی] قادر به حضور در

جلسات نباشد. قاضی علی‌البدل بر اساس آیین مقرر از سوی دیوان منصوب

می‌گردد.

بند پنج. انتشارات، زبان‌ها و ترجمه

ماده ۴۰. انتشار تصمیمات به زبان‌های رسمی دیوان

- ۱- از لحاظ بند ۱، ماده ۵۰ [اساسنامه]، تصمیمات ذیل به عنوان حل و فصل کننده مسائل اساسی، مورد توجه قرار می‌گیرند:
(الف) تمامی تصمیمات شعبه تجدیدنظر؛
(ب) تمامی تصمیمات دیوان راجع به صلاحیتش یا قابلیت استماع دعوا طبق مواد ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ [اساسنامه]؛
(ج) تمامی تصمیمات شعبه دادرسی در رابطه با گناهکار یا بی‌گناه، مجازات و جبران خسارات قربانیان طبق مواد ۷۴، ۷۵ و ۷۶ [اساسنامه]؛
(د) تمامی تصمیمات شعبه دادرسی مقدماتی طبق بند ۳ (د)، ماده ۵۷ [اساسنامه].

- ۲- تصمیمات در خصوص تأیید اتهامات، طبق بند ۷، ماده ۶۱ [اساسنامه]، و در خصوص جرایم علیه اجرای عدالت، طبق بند ۳، ماده ۷۰ [اساسنامه]، به کلیه زبان‌های رسمی دیوان منتشر می‌گردد. [و این] در صورتی [است که] هیأت رئیسه تعیین کند، این تصمیمات مسائل اساسی را حل و فصل می‌کند.
- ۳- زمانی که تصمیماتی مربوط به مسائل مهم در رابطه با تفسیر یا اجرای اساسنامه یا مربوط به مسائل مهم منافع عام باشد، هیأت رئیسه می‌تواند تصمیم به انتشار چنین تصمیماتی به کلیه زبان‌های رسمی بگیرد.

ماده ۴۱. زبان‌های کاری دیوان

- ۱- از لحاظ بند ۲، ماده ۵۰ [اساسنامه]، هیأت رئیسه اجازه استفاده از زبان رسمی دیوان را به عنوان زبان کاری می‌دهد، هنگامی که:
(الف) این زبان به وسیله اکثریت افراد درگیر در قضیه‌ای نزد دیوان

یا هر یک از مشارکت کنندگان در رسیدگی که آن را درخواست می‌نمایند،
فهمیده و صحبت شود؛ یا

(ب) دادستان و وکیل مدافع آن را درخواست نمایند.

۲- هیأت رئیسه می‌تواند اجازه استفاده از هر زبان رسمی دیوان را به
عنوان زبان کاری دیوان بدهد و این در صورتی است که دیوان تشخیص
دهد که آن زبان کارآیی رسیدگی را تسهیل می‌کند.

ماده ۴۲. خدمات ترجمه و ترجمه همزمان

دیوان باید خدمات ترجمه‌های کتبی و شفاهی لازم را به منظور
تضمین اجرای تعهداتش طبق اساسنامه و آیین دادرسی فراهم نماید.

ماده ۴۳. آیین قابل اعمال در انتشار اسناد دیوان

دیوان باید تضمین کند که در انتشار کلیه اسناد طبق اساسنامه و
آیین دادرسی، وظیفه حفظ امانت داری جریان رسیدگی و امنیت قربانیان و
شهود را رعایت می‌کند.

فصل ۳. صلاحیت و قابلیت استماع

بند یک. اعلامیه‌ها و ارجاعات مربوط به مواد ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴
[اساسنامه]

ماده ۴۴. اعلامیه پیش‌بینی شده در بند ۳، ماده ۱۲ [اساسنامه]

۱- بنا به تقاضای دادستان، مدیر دفتر به طور محرمانه می‌تواند از
دولتی که عضو اساسنامه نیست یا بعد از لازم‌الاجرا شدن آن عضو شده
است، سؤال نماید که آیا قصد صدور اعلامیه پیش‌بینی شده در بند ۳، ماده

۱۲ [اساسنامه]، را دارد.

۲- زمانی که دولتی مطابق بند ۳، ماده ۱۲ [اساسنامه]، اعلامیه‌ای به مدیر دفتر تسلیم می‌کند یا قصدش را برای تسلیم اعلام می‌کند، یا وقتی که مدیر دفتر بنا بر ماده فرعی ۱ [فوق]، عمل می‌کند، به دولت مربوط اطلاع می‌دهد که این اعلامیه طبق بند ۳، ماده ۱۲ [اساسنامه]، دارای اثر پذیرش صلاحیت نسبت به جرایم مورد اشاره در ماده ۵ [اساسنامه]، و مقررات بخش نهم [اساسنامه]، می‌باشد و هر یک از مقررات ذیل آن نسبت به دولتهای عضو، اعمال می‌شود.

ماده ۴۵. ارجاع وضعیتی به دادستان

ارجاع وضعیتی به دادستان باید به صورت کتبی باشد.

بند دو. شروع تحقیقات طبق ماده ۱۵ [اساسنامه]

ماده ۴۶. اطلاعات تهیه شده برای دادستان طبق بندهای ۱ و ۲، ماده ۱۵

[اساسنامه]

در صورتی که طبق بند ۱، ماده ۱۵ [اساسنامه]، اطلاعاتی [به دادستان] ارائه شود یا اینکه طبق بند ۲، ماده ۱۵ [اساسنامه]، وی در مقرر دیوان، شهادت کتبی یا شفاهی دریافت نماید، باید امانت داری را در خصوص چنین اطلاعات و شهادتی رعایت کند یا متعاقب وظایفش طبق اساسنامه، تدابیر ضروری دیگری اتخاذ نماید.

ماده ۴۷. ادای شهادت طبق بند ۲، ماده ۱۵ [اساسنامه]

۱- مقررات مواد ۱۱۱ و ۱۱۲ [آیین دادرسی]، باید با تغییرات لازم،^۲

2. *mutatis mutandis*.

برای شهادتی که دادستان متعاقب بند ۲، ماده ۱۵ [اساسنامه]، دریافت می‌نماید، اعمال شود.

۲- در صورتی که دادستان گمان کند که خطر جدی وجود دارد که بعداً امکان ادای شهادت ممکن نیست، می‌تواند از شعبه دادرسی مقدماتی تقاضای اتخاذ تدابیری برای تأمین کارآیی، درستی رسیدگی و بویژه برای نصب و کیل یا قاضی از شعبه دادرسی مقدماتی برای حضور در طول [زمان] ادای شهادت که برای حفظ حقوق دفاع ضروری است، بنماید. چنانچه ادای شهادت بعداً در [جلسات] رسیدگی صورت گیرد، بند ۴ ماده ۶۹ [اساسنامه] حاکم بر قابلیت استماع آن [ادای شهادت] می‌باشد و تعیین ارزش [شهادت] با شعبه مربوط است.

ماده ۴۸. تعیین مبنای معقول برای ادامه تحقیق طبق بند ۳، ماده ۱۵ [اساسنامه]

در تعیین اینکه آیا مبنای معقولی برای ادامه تحقیق طبق بند ۳، ماده ۱۵ وجود دارد، دادستان باید عوامل بیان شده در بند ۱ (الف) تا (ج)، ماده ۵۳ [اساسنامه]، را در نظر بگیرد.

ماده ۴۹. تصمیم و اطلاعیه طبق بند ۶، ماده ۱۵ [اساسنامه]

۱- در صورتی که تصمیمی طبق بند ۶، ماده ۱۵ [اساسنامه]، اتخاذ شود، دادستان باید فوراً تصمیم کند که اطلاعیه متضمن دلایل تصمیم به روشی تهیه می‌شود که از هرگونه خطر برای امنیت، سلامتی و امور خصوصی کسانی که اطلاعات را برای وی طبق بندهای ۱ و ۲، ماده ۱۵ [اساسنامه]، فراهم نمودند یا [برای] درستی تحقیقات یا [جلسات] رسیدگی جلوگیری می‌کند.

۲- همچنین، اطلاعیه از امکان ارسال اطلاعات بیشتر درباره همان

وضعیت در پرتو حقایق و ادله جدید اطلاع می‌دهد.

ماده ۵۰. آیین تجویز شروع به تحقیق از سوی شعبه دادرسی مقدماتی

۱- هنگامی که دادستان قصد تقاضای مجوز از شعبه دادرسی مقدماتی به منظور شروع به تحقیق مطابق بند ۳، ماده ۱۵ [اساسنامه]، را دارد، باید به قربانیان، که برای او یا برای واحد قربانیان و شهود شناخته شده‌اند، یا به نمایندگان قانونی‌شان اطلاع دهد، و گرنه در صورت تصمیم دادستان به انجام چنین کاری [بدون مطلع ساختن افراد فوق]، ممکن است خطری برای درستی تحقیق یا برای زندگی و سلامتی قربانیان و شهود بوجود آید. همچنین، اگر وی در شرایط خاص قضیه تشخیص دهد که دادن چنین اطلاعیه‌ای خطری را برای درستی و عمل مؤثر تحقیق یا برای امنیت و سلامتی قربانیان و شهود بوجود نمی‌آورد می‌تواند از طرق عمومی برای دسترسی به گروه‌های قربانیان اطلاعیه بدهد. در اجرای این وظایف، دادستان می‌تواند از واحد قربانیان و شهود به طور مقتضی تقاضای مساعدت نماید.

۲- درخواست دادستان برای صدور مجوز باید به صورت کتبی باشد.
۳- متعاقب اطلاعات ارائه شده طبق ماده فرعی ۱ [فوق]، قربانیان می‌توانند به صورت کتبی اظهاراتی را در ظرف زمان محدود مطرح شده در مقررات [دیوان] به شعبه دادرسی مقدماتی تسلیم کنند.

۴- شعبه دادرسی مقدماتی، در تصمیم در خصوص آیین دنبال شده، می‌تواند درخواست اطلاعات بیشتر از دادستان و از هر یک از قربانیانی که اظهاراتی را بیان داشته است، بنماید و در صورتی که شعبه اطلاعات را کافی دانست می‌تواند تشکیل جلسه دهد.

۵- شعبه دادرسی مقدماتی حکمش را به انضمام دلایل نسبت به

تجویز شروع به تحقیق مطابق بند ۴، ماده ۱۵ [اساسنامه]، در خصوص تمامی یا بخشی از درخواست دادستان صادر می‌کند. همچنین شعبه حکم را به اطلاع قربانیانی که اظهاراتی را مطرح کرده‌اند، می‌رساند.

۶- همچنین آیین بالا نسبت به درخواست جدید از شعبه دادرسی مقدماتی مطابق بند ۵، ماده ۱۵ [اساسنامه]، اعمال می‌شود.

بند سه. ایرادات و احکام مقدماتی طبق مواد ۱۷، ۱۸ و ۱۹ [اساسنامه] ماده ۵۱. اطلاعات تهیه شده طبق ماده ۱۷ [اساسنامه]

در بررسی موضوعات مورد اشاره در بند ۲، ماده ۱۷ [اساسنامه]، و در زمینه اوضاع و احوال قضیه، دیوان می‌تواند از جمله اطلاعاتی را بررسی کند که دولت مورد اشاره در بند ۱، ماده ۱۷ [اساسنامه]، [براساس آن] توجه دیوان را به این امر معطوف می‌کند و نشان می‌دهد که دادگاههای [داخلی‌اش] هنجارها و معیارهای شناخته شده بین‌المللی را برای تعقیب مستقل و بی‌طرف اداره [امور] مشابه رعایت می‌کنند یا آنکه آن دولت به صورت کتبی برای دادستان تأیید کرده است که آن قضیه در حال تحقیق و پیگیری می‌باشد.

ماده ۵۲. اعلامیه پیش‌بینی شده در بند ۱، ماده ۱۸ [اساسنامه]

۱- مشروط به محدودیت‌های پیش‌بینی شده در بند ۱، ماده ۱۸ [اساسنامه]، اعلامیه شامل اطلاعاتی درباره اقداماتی است که جرایم مورد اشاره در ماده ۵ [اساسنامه]، مرتبط با اهداف بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]، را تشکیل می‌دهد.

۲- هر دولتی می‌تواند از دادستان اطلاعات بیشتری را به منظور مساعدت به آن دولت در اعمال بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]، درخواست

نماید. چنین درخواستی نباید بر یک ماه مدت محدود مقرر در بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]، اثر بگذارد و دادستان باید در اسرع وقت به آن درخواست پاسخ دهد.

ماده ۵۳. تعویق پیش‌بینی شده در بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]
زمانی که دولتی مطابق بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]، درخواست تعویق می‌کند، آن دولت باید این درخواست را به صورت کتبی ارائه دهد و اطلاعات مربوط به تحقیقاتش را با لحاظ بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]، فراهم نماید. دادستان می‌تواند اطلاعات بیشتر را از آن دولت درخواست نماید.

ماده ۵۴. درخواست دادستان طبق بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]
۱- درخواست ارسالی دادستان به شعبه دادرسی مقدماتی مطابق بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]، باید به صورت کتبی باشد و شامل مبنای درخواست باشد. اطلاعات فراهم شده آن دولت طبق ماده ۵۳ [آیین دادرسی]، باید توسط دادستان به اطلاع شعبه دادرسی مقدماتی برسد.
۲- هنگامی که دادستان درخواستی را مطابق بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]، به شعبه دادرسی مقدماتی ارائه می‌کند، باید به صورت کتبی آن دولت را از آن درخواست مطلع کند و درخواست باید شامل اطلاعیه مختصری از مبنای درخواست باشد.

ماده ۵۵. رسیدگی در خصوص بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]
۱- شعبه دادرسی مقدماتی باید در خصوص آیین رسیدگی که دنبال می‌کند، تصمیم بگیرد و تدابیر مقتضی را برای اجرای صحیح رسیدگی اتخاذ نماید [و نیز] می‌تواند جلسه رسیدگی تشکیل دهد.

۲- شعبه دادرسی مقدماتی باید درخواست دادستان و اظهارات ارسال شده از سوی هر دولتی که تقاضای تعویق طبق بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه] را کرده، بررسی نماید و عوامل [مصرح] در ماده ۱۷ [اساسنامه] را در خصوص تصمیم‌گیری [این مسأله] که مجوز تحقیق صادر کند یا [خیر]، مورد توجه قرار دهد.

۳- حکم و مبنای حکم شعبه دادرسی مقدماتی باید در حداقل زمان به دادستان و دولت درخواست‌کننده تعویق تحقیق، ابلاغ شود.

ماده ۵۶. درخواست دادستان متعاقب تجدیدنظر طبق بند ۳، ماده ۱۸ [اساسنامه]

۱- متعاقب تجدیدنظر دادستان مندرج در بند ۳، ماده ۱۸ [اساسنامه]، وی می‌تواند از شعبه دادرسی مقدماتی برای صدور مجوز [شروع به تحقیق] مطابق بند ۲، ماده ۱۸ [اساسنامه]، درخواست نماید. درخواست از شعبه دادرسی مقدماتی باید کتبی و شامل مبنای درخواست باشد.

۲- هرگونه اطلاعات اضافی که آن دولت طبق بند ۵، ماده ۱۸ [اساسنامه] تهیه کرده است، توسط دادستان به شعبه دادرسی مقدماتی ارسال می‌شود.

۳- [جلسات] رسیدگی باید مطابق بند فرعی ۲، ماده ۵۴ و ماده ۵۵ [آیین دادرسی]، صورت گیرد.

ماده ۵۷. اقدامات موقت طبق بند ۶، ماده ۱۸ [اساسنامه]

درخواست دادستان از شعبه دادرسی مقدماتی در شرایط مقرر در بند ۶، ماده ۱۸ [اساسنامه]، باید به صورت منحصر و غیرعلنی بررسی شود.

شعبه دادرسی مقدماتی باید در خصوص آن درخواست فوراً حکم کند.

ماده ۵۸. رسیدگی طبق ماده ۱۹ [اساسنامه]

۱- تقاضا یا درخواست تنظیم شده طبق ماده ۱۹ [اساسنامه]، باید کتبی و شامل مبنای درخواست باشد.

۲- هنگامی که شعبه‌ای تقاضا یا درخواست ناشی از جرح یا مسأله‌ای در خصوص صلاحیت یا قابلیت استماع قضیه‌ای را مطابق بند ۲ یا ۳، ماده ۱۹ [اساسنامه]، دریافت می‌کند، یا بر اساس پیشنهاد خودش که در بند ۱ ماده ۱۹ [اساسنامه] مقرر شده، اقدام می‌نماید، باید بر اساس آیینی که دنبال می‌کند، تصمیم بگیرد و می‌تواند تدابیر مقتضی به منظور اجرای صحیح رسیدگی اتخاذ نماید. شعبه می‌تواند جلسه رسیدگی تشکیل دهد. شعبه می‌تواند این ایراد یا مسأله را به [جلسه] تأیید [اتهامات] یا به جلسه رسیدگی که نباید بدون دلیل تأخیر داشته باشد، متصل کند و باید در این شرایط رسیدگی کند و بر اساس آن ایراد و مسأله تصمیم بگیرد.

۳- دیوان باید تقاضا یا درخواست دریافتی را طبق ماده فرعی ۲ [فوق] برای دادستان و اشخاص مورد اشاره در بند ۲، ماده ۱۹ [اساسنامه]، که تسلیم دیوان شده‌اند یا داوطلبانه یا متعاقب احضاریه‌ای حاضر شده‌اند، ارسال کند و باید به آنها اجازه ارائه اظهاریه کتبی در ارتباط با آن تقاضا یا درخواست در ظرف مدت زمان تعیین شده توسط آن شعبه را بدهد.

۴- دیوان باید ابتدا بر اساس هرگونه ایراد یا مسأله‌ای در خصوص صلاحیت و سپس در خصوص قابلیت استماع حکم کند.

ماده ۵۹. مشارکت در رسیدگی طبق بند ۳، ماده ۱۹ [اساسنامه]

۱- از لحاظ بند ۳، ماده ۱۹ [اساسنامه]، مدیر دفتر باید هر مسأله یا

ایراد به صلاحیت یا قابلیت استماع که متعاقب بند ۱، ۲ و ۳، ماده ۱۹ [اساسنامه]، ایجاد شده است را به افراد ذیل اطلاع دهد:

(الف) آنهایی که به موجب ماده ۱۳ [اساسنامه]، وضعیتی را به [دیوان] ارجاع داده‌اند؛

(ب) قربانیان یا نمایندگان قانونی‌شان که قبلاً در رابطه با آن قضیه [نظریات خود] را به دیوان تسلیم نموده‌اند.

۲- مدیر دفتر باید موارد مورد اشاره در ماده فرعی ۱ [فوق] را به روشی مطابق با وظیفه دیوان در خصوص امانت‌داری اطلاعات، حمایت از اشخاص و حفظ مدارک، به همراه خلاصه‌ای از مبانی که بر اساس آن صلاحیت دیوان یا قابلیت استماع قضیه مورد ایراد قرار گرفته است، مهیا کند.

۳- اطلاعات دریافتی مقرر در ماده فرعی ۱ [فوق]، می‌تواند به صورت کتبی به شعبه صلاحیت‌دار در ظرف زمان محدود که آن دادگاه مناسب تشخیص می‌دهد، ارائه شود.

ماده ۶۰. رکن صلاحیت‌دار برای پذیرش ایرادات

چنانچه ایرادی به صلاحیت دیوان یا به قابلیت استماع قضیه‌ای بعد از تأیید اتهامات اما قبل از تأسیس و اختصاص شعبه دادرسی مطرح شود، باید به هیأت رئیسه ارسال گردد که مسأله را هرچه زودتر بعد از تأسیس یا اختصاص شعبه دادرسی مطابق ماده ۱۳۰ [آیین دادرسی]، به آن ارجاع دهد.

ماده ۶۱. اقدامات موقت طبق بند ۸، ماده ۱۹ [اساسنامه]

در صورتی که دادستان درخواستی را به شعبه صلاحیت‌دار با توجه به شرایط مقرر در بند ۸، ماده ۱۹ [اساسنامه]، مطرح کند، ماده ۵۷ [آیین

دادرسی]، باید اعمال شود.

ماده ۶۲. رسیدگی طبق بند ۱۰، ماده ۱۹ [اساسنامه]

۱- چنانچه دادستان درخواستی را طبق بند ۱۰، ماده ۱۹ [اساسنامه]، مطرح کند وی باید درخواستی به آن شعبه برای صدور حکم در خصوص قابلیت استماع تسلیم کند. مقررات مواد ۵۸، ۵۹ و ۶۱ [آیین دادرسی]، قابل اعمال می‌باشد.

۲- دولت یا دولتهایی که به قابلیت استماع طبق بند ۲، ماده ۱۹ [اساسنامه]، اعتراض می‌کنند و به حکم عدم قابلیت استماع مقرر در بند ۱۰، ماده ۱۹ [اساسنامه]، استناد کرده‌اند، باید از درخواست دادستان مطلع شوند و به آنها زمان محدودی فرصت داده شود تا در آن مدت، اظهارات خود را تسلیم کنند.

فصل ۴. مقررات مربوط به مراحل مختلف رسیدگی

بند یک. ادله

ماده ۶۳. مقررات کلی مربوط به ادله

- ۱- مواد ادله مقرر در این فصل، در کنار ماده ۶۹ [اساسنامه]، در جریان رسیدگی نزد کلیه شعب اعمال می‌شود.
- ۲- هر شعبه‌ای مطابق اختیارات توصیف شده در بند ۹، ماده ۶۴ [اساسنامه]، صلاحیت دستیابی آزادانه به کلیه ادله تسلیم شده را برای تعیین ارتباط و قابلیت استماع مطابق ماده ۶۹ [اساسنامه]، دارد.
- ۳- هر شعبه‌ای بنا به درخواست یکی از طرفین یا به ابتکار خود طبق بند ۹ (الف)، ماده ۶۴ [اساسنامه]، در خصوص قابلیت استماع که مبتنی بر

- ادله پیش‌بینی شده در بند ۷، ماده ۶۹ است، حکم می‌دهد.
- ۴- بدون لطمه زدن به بند ۳، ماده ۶۶ [اساسنامه]، شعبه الزام حقوقی ارائه ادله مؤید برای اثبات هر جرمی که در صلاحیت دیوان می‌باشد را تحمیل نمی‌کند بویژه در جرایم خشونت جنسی.
- ۵- شعب، قوانین ملی حاکم بر ادله، متفاوت از آنچه مطابق با ماده ۲۱ [اساسنامه] می‌باشد، را اعمال نمی‌کنند.

ماده ۶۴. آیین مربوط به ارتباط یا قابلیت استماع ادله

۱- هر مسأله مربوط به ارتباط یا قابلیت استماع در زمانی باید مطرح شود که ادله به شعبه تسلیم می‌شود. استثنائاً، هنگامی که شعبه از آن مسائل در زمانی که ادله تسلیم شد، آگاه نبود ارتباط یا قابلیت استماع فوراً بعد از اینکه از مسأله آگاه شد، مطرح می‌شود. شعبه می‌تواند درخواست کند که مسأله به صورت کتبی مطرح شود. پیشنهاد دیوان به همه آنهایی که در جریان رسیدگی شرکت می‌کنند، ابلاغ می‌شود، مگر اینکه دیوان تصمیم دیگری اتخاذ نماید.

۲- هر شعبه‌ای دلایلی را برای احکامی که بر اساس موضوعات مستند مطرح می‌کند، ارائه می‌دهد. اگر این مستندات تاکنون در پرونده، در طول جریان رسیدگی مطابق بند ۱۰، ماده ۶۴ [اساسنامه]، و ماده فرعی ۱، ماده ۱۳۷ [آیین دادرسی]، درج نشده است، آنها را در سابقه رسیدگی قرار می‌دهد.

۳- ادله مطرح شده غیر مرتبط یا غیر قابل استماع از سوی شعبه مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

ماده ۶۵. اجباری بودن ادای شهادت

- ۱- شاهدهی که نزد دیوان حاضر می‌شود، توسط دیوان برای ادای شهادت مجبور می‌شود، مگر اینکه در اساسنامه و آیین دادرسی، بویژه مواد ۷۳، ۷۴ و ۷۵ [آیین دادرسی]، طور دیگری مقرر شده باشد.
- ۲- ماده ۱۷۱ [آیین دادرسی]، نسبت به شاهد حاضر نزد دیوان که مجبور به ادای شهادت طبق ماده فرعی [فوق] است، اعمال می‌شود.

ماده ۶۶. تعهد رسمی

- ۱- به استثنای مورد توصیف شده در ماده فرعی ۲ [ذیل]، هر شاهدهی مطابق بند ۱، ماده ۶۹ [اساسنامه]، قبل از ادای شهادت تعهد رسمی ذیل را بر عهده می‌گیرد:

«من رسماً اعلام می‌دارم که حقیقت را بگویم، تمام حقیقت و نه چیز دیگر جز حقیقت».

- ۲- به هر شخص زیر ۱۸ سال یا هر شخصی که از حکمش به وی آسیب وارد شده است و کسی که به نظر شعبه، ماهیت تعهد رسمی را نمی‌فهمد، بدون تعهد رسمی اجازه ادای شهادت داده می‌شود و [این امر] در صورتی است که شعبه تشخیص دهد که شخص قادر به بیان موضوعاتی که به آنها علم دارد، می‌باشد و اینکه شخص مفهوم وظیفه بیان حقیقت را می‌فهمد.

- ۳- قبل از ادای شهادت، شاهد از جرم تعریف شده در بند ۱ (الف)، ماده ۷۰ [اساسنامه]، مطلع می‌گردد.

ماده ۶۷. شهادت زنده از طریق ارتباط فناوری سمعی یا بصری

۱- شعبه، مطابق بند ۲، ماده ۶۹ [اساسنامه]، به شاهد اجازه ادای شهادت شفاهی نزد شعبه از طریق فناوری سمعی یا بصری می‌دهد، به شرطی که چنین فناوری امکان پرسش از شاهد را در زمان ادای شهادت به دادستان، وکیل مدافع و خود شعبه بدهد.

۲- بازجویی از شاهد طبق این ماده، مطابق با مواد مربوط در این فصل انجام می‌گیرد.

۳- با مساعدت دفتر [دیوان]، شعبه تضمین می‌کند که مکان منتخب برای اداره ارتباط سمعی یا بصری ادای شهادت، اجرای درست و آزاد ادای شهادت و برای امنیت، سلامت جسمی و روانی، شأن و امور خصوصی شاهد مناسب است.

ماده ۶۸. شهادت ضبط شده از قبل

هنگامی که شعبه دادرسی مقدماتی طبق ماده ۵۶ [اساسنامه]، تدابیری را اتخاذ نکند، شعبه دادرسی، مطابق بند ۲، ماده ۶۹ [اساسنامه]، می‌تواند اجازه ارائه شهادت از پیش ضبط شده سمعی یا بصری شاهد یا رونوشت یا دیگر ادله مستند از چنین شهادتی را بدهد، به شرطی که:

(الف) شاهدهی که از قبل، شهادت ضبط شده‌ای می‌دهد، نزد شعبه دادرسی حاضر نیست و دادستان و وکیل مدافع فرصت پرسش از شاهد را طی ضبط داشتند؛ یا

(ب) شاهدهی که از قبل، شهادت ضبط شده‌ای می‌دهد، نزد شعبه دادرسی حاضر است و وی به ارائه شهادت ضبط شده از قبل اعتراضی ندارد و دادستان، وکیل مدافع و شعبه دارای فرصت برای پرسش از شاهد در طی جریان رسیدگی می‌باشند.

ماده ۶۹. توافقات نسبت به ادله

دادستان و وکیل مدافع می‌توانند توافق کنند که نسبت به واقعیت مورد ادعا که شامل اتهامات، محتوای اسناد، شهادت مورد توقع شاهد یا دیگر ادله است، اعتراض نمی‌شود و بر این اساس، شعبه می‌تواند چنین واقعیت مورد ادعا را ثابت شده تلقی کند، مگر اینکه به نظر شعبه ارائه کامل‌تری از واقعیت‌های مورد ادعا در جهت منافع عدالت، بویژه در جهت منافع قربانیان لازم باشد.

ماده ۷۰. اصول ادله در موارد خشونت جنسی

دیوان، در موارد خشونت جنسی توسط اصول ذیل هدایت می‌شود و در موارد مقتضی، آنها را اعمال می‌کند:

(الف) رضایت نمی‌تواند به دلیل هر بیان یا رفتار قربانی در حالی که اجبار یا تهدید به اجبار، اکراه یا سوء استفاده از جو اجباری، که توانایی قربانی را برای دادن رضایت ارادی و حقیقی تضعیف کرده، استنباط شود؛

(ب) رضایت نمی‌تواند به دلیل هر بیان یا رفتار قربانی که ناتوان از دادن رضایت حقیقی است، استنباط شود؛

(ج) رضایت نمی‌تواند به دلیل سکوت یا عدم مقاومت قربانی به خشونت جنسی مورد ادعا، استنباط شود؛

(د) اعتبار، شخصیت یا تمایل به آمادگی جنسی قربانی یا شاهد را نمی‌توان از روی ماهیت رفتار جنسی قبلی یا بعدی قربانی یا شاهد استنباط کرد.

ماده ۷۱. ادله رفتارهای جنسی دیگر

در پرتو تعریف و ماهیت جرایم در صلاحیت دیوان و با رعایت بند

۴، ماده ۶۹ [اساسنامه]، شعبه، رفتار جنسی قبل یا بعد قربانی یا شاهد را به عنوان ادله نمی‌پذیرد.

ماده ۷۲. رسیدگی غیرعلنی در بررسی ارتباط یا قابلیت استماع ادله

۱- در صورتی که قصدی بر ارائه ادله یا کسب اطلاعاتی از جمله از طریق استنطاق از قربانی یا شاهد مبنی بر رضایت وی بر جرم مورد ادعای خشونت جنسی به دلیل بیان، رفتار، سکوت یا عدم مقاومت قربانی یا شاهد مورد اشاره در اصول (الف) تا (د) ماده ۷۰ [آیین دادرسی]، باشد، اطلاعیه‌ای برای دیوان تهیه یا استخراج می‌شود و در آن ماهیت ادله مورد نظر ارائه و ارتباط ادله با مسائل بیان می‌گردد.

۲- شعبه، در اتخاذ تصمیم که آیا ادله مورد اشاره در ماده فرعی [فوق] دارای ارتباط یا قابلیت استماع است، جلسه‌ای را به صورت غیر علنی [در خصوص] نظرات دادستان، وکیل مدافع، شاهد و قربانی یا نماینده قانونی‌اش برگزار می‌کند و [شعبه این موضوع را] که آیا ادله دارای حد کافی ارزش ثابت کننده به مسأله در این قضیه می‌باشد و لطمه‌ای که چنین ادله‌ای ممکن است مطابق بند ۴، ماده ۶۹ [اساسنامه]، وارد کند را مدنظر قرار می‌دهد. بدین منظور، شعبه به بند ۳، ماده ۲۱ [اساسنامه]، و مواد ۶۷ و ۶۸ [اساسنامه]، توجه می‌کند و توسط اصول (الف) تا (د) ماده ۷۰ [آیین دادرسی]، بویژه در خصوص مسائل مطرح شده قربانی، راهنمایی می‌شود.

۳- در صورتی که شعبه تعیین کند که ادله مورد اشاره در ماده فرعی ۲ [فوق] در رسیدگی قابل استماع است، گزارشی با هدف خاص که برای ادله قابل استماع است را بیان می‌دارد. در ارزیابی ادله طی رسیدگی، شعبه اصول (الف) تا (د) ماده ۷۰ [آیین دادرسی]، را اعمال می‌کند.

ماده ۷۳. ارتباطات و اطلاعات محرمانه

۱- بدون لطمه زدن به بند ۱ (ب)، ماده ۶۷ [اساسنامه]، اظهارات بیان‌شده در زمینه رابطه شغلی بین شخص و وکیل مدافعش محرمانه تلقی می‌شود و بعداً افشاء نمی‌شود مگر:

(الف) شخص به صورت کتبی با چنین افشاگری موافقت کند؛ یا
(ب) شخص داوطلبانه محتوای اظهارات را به شخص ثالثی آشکار کند و سپس شخص ثالث ادله آن افشاگری را بدهد.

۲- با توجه به ماده فرعی (۵)، ماده ۶۳ [آیین دادرسی]، اظهارات بیان شده در زمینه حد روابط شغلی یا دیگر روابط، محرمانه تلقی می‌شود و بعداً افشاء نمی‌شود، طبق شرایط یکسان در مواد فرعی ۱ (الف) و (ب) در صورتی شعبه در خصوص آن حد [روابط شغلی] تصمیم‌گیری می‌کند که:
(الف) ارتباطات صورت گرفته در آن حد رابطه، در جریان رابطه محرمانه، موجب توقع معقول امور خصوصی و عدم افشاگری باشد؛

(ب) رازداری برای ماهیت و نوع رابطه بین شخص و [شخص] رازدار ضروری باشد؛ و

(ج) تصدیق این امتیاز [محرمانه بودن] اهداف اساسنامه و آیین دادرسی را پیش ببرد.

۳- دیوان در اتخاذ تصمیم طبق ماده فرعی ۲ [فوق]، توجه خاصی به تصدیق و تأیید اظهارات محرمانه صورت گرفته در چارچوب رابطه شغلی بین شخص [مورد نظر] و پزشک، روانپزشک یا وکیل او، بویژه آنهایی که در رابطه با قربانی است، یا بین شخص [مورد نظر] و روحانیون [مذهبی] می‌نماید؛ و در مورد اخیر [روحانیون]، دیوان اظهارات محرمانه صورت گرفته در زمینه اقرار مذهبی را در صورتی که مکمل رویه آن مذهب باشد، به رسمیت می‌شناسد.

۴- دیوان هر [مطلبی] را از قبیل ادای شهادت مقام فعلی یا قبلی یا کارمند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و هرگونه اطلاعات، اسناد یا ادله دیگری را که در جریان یا در نتیجه اعمال و وظایف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر اساس اساسنامه‌های صلیب سرخ بین‌المللی و جنبش هلال احمر به دست می‌آورد محرمانه تلقی کرده و افشاء نمی‌کند، مگر اینکه:

(الف) بعد از مشورتهای صورت گرفته متعاقب ماده فرعی ۶ [ذیل]، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به صورت کتبی به چنین افشاگری اعتراض نکند یا به نحوی از این امتیاز [محرمانه بودن] اعراض نکند؛ یا
(ب) چنین اطلاعات، اسناد یا ادله دیگر شامل اظهارات عمومی و اسناد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ شود.

۵- هیچ چیز در ماده فرعی ۴ [فوق] قابلیت استماع ادله مشابه، تحصیل شده از منبع دیگر غیر از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و مقامات یا کارمندانش هنگامی که چنین ادله‌ای را از طریق این منبع مستقل از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و مقاماتش یا کارمندانش تحصیل شده است، تحت تأثیر قرار ندهد.

۶- دیوان تشخیص دهد که اطلاعات، اسناد یا ادله دیگر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای قضیه‌ای خاص بسیار مهم هستند، که در این صورت جلسه‌ای مشورتی را با کمیته بین‌المللی به منظور تصمیم‌گیری در مورد این موضوع از طریق روشهای همکاری، مدنظر قرار دادن شرایط قضیه، ارتباط ادله تحصیل شده، منافع عدالت قربانیان و اجرای اشتغالات دیوان و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و اینکه آیا این ادله از منبع دیگر به غیر از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تحصیل می‌شود، برگزار می‌کند.

ماده ۷۴. مجرم قلمداد نمودن خود از طریق شهادت (شهادت علیه خود)
۱- دیوان شاهد را از مقررات این ماده قبل از ادای شهادت وی آگاه
می‌سازد، مگر این که شاهد متعاقب ماده ۱۹۰ [آیین دادرسی]، مطلع شده
باشد.

۲- در صورتی که دیوان تشخیص دهد که تضمینی در خصوص مجرم
قلمداد نمودن خود برای شهادت خاص منظور نماید، این تضمین را طبق بند
(ج)، ماده فرعی ۳ [ذیل]، قبل از این که شاهد مستقیماً یا متعاقب
درخواست طبق بند ۱ (هـ)، ماده ۹۳ [اساسنامه]، حاضر شود، در نظر می‌گیرد.
۳- (الف) شاهد می‌تواند به هر نوع اظهاراتی که منجر به مجرم
قلمداد نمودن وی می‌شود، اعتراض کند.

(ب) در صورتی که شاهد بعد از دریافت تضمین طبق ماده فرعی ۲
[فوق]، [نزد دیوان] حاضر شده است، دیوان می‌تواند از وی درخواست
نماید که به سؤال یا سؤالاتی پاسخ دهد.

(ج) شعبه می‌تواند از شاهد درخواست نماید که به سؤال یا سؤالاتی
در مورد سایر شهود پاسخ دهد، بعد از این که به شاهد تضمین دهد که ادله
تهیه شده در پاسخ به سؤالات:

یک) محرمانه تلقی می‌شود و به صورت عمومی یا در هیچ کشوری
افشاء نمی‌شود؛ و

دو) چه به طور مستقیم یا غیرمستقیم علیه آن شخص در تعقیب
بعدی توسط دیوان، جز طبق مواد ۷۰ و ۷۱ [اساسنامه]، مورد استفاده قرار
نمی‌گیرد.

۴- قبل از دادن چنین تضمینی، شعبه به طور یکجانبه، نظرات
دادستان را به این منظور که آیا این تضمین باید به این شهادت خاص داده
شود، جویا می‌شود.

۵- در تعیین این که آیا شاهد ملزم به پاسخگویی است، شعبه بررسی می‌کند:

(الف) اهمیت ادله پیش‌بینی شده؛

(ب) آیا شاهد ادله منحصر به فردی را ارائه می‌کند؛

(ج) ماهیت مجرم قلمداد نمودن احتمالی خود، چنانچه این امر محرز باشد؛ و

(د) کافی بودن حمایت‌ها از شاهد، در شرایط خاص.

۶- اگر شعبه تشخیص دهد که تأمین تضمین برای این شاهد ممکن نیست، شاهد را ملزم به پاسخ دادن به سؤالات نمی‌کند. در صورتی که شعبه تصمیم گرفت که از شاهد درخواست پاسخ ننماید، می‌تواند سؤالات از شاهد را در موضوعات دیگری دنبال کند.

۷- برای مؤثر کردن تضمین، شعبه:

(الف) دستور می‌دهد که ادله شاهد به صورت غیر علنی ارائه شود؛

(ب) دستور می‌دهد که هویت و محتوای ادله به هیچ‌وجه افشاء نشود و مقرر می‌دارد که نقض چنین دستوری تابع مجازات‌های ماده ۷۱ [اساسنامه]، می‌باشد؛

(ج) به طور خاص دادستان، متهم، و کیل مدافع، نماینده قانونی قربانی و هر یک از کارمندان دیوان را از نتایج نقض دستور طبق ماده فرعی [فوق] مطلع می‌سازد؛

(د) دستور مهر و موم کردن بایگانی جریان رسیدگی را بدهد؛ و

(ه) از تدابیر حفاظتی در مورد هر تصمیم دیوان برای تضمین اینکه هویت شاهد و محتوای ادله ارائه شده افشاء نمی‌گردد، استفاده نماید.

۸- در صورتی که دادستان آگاه شود که ادای شهادت هر شاهد می‌تواند مسائلی در خصوص مجرم قلمداد نمودن شخص [شاهد] ایجاد نماید،

وی قبل از ادای شهادت شاهد، تقاضای غیرعلنی کردن جلسه رسیدگی را می‌نماید و شعبه را از این امر آگاه می‌سازد. شعبه می‌تواند تدابیر برشمرد شده در ماده فرعی ۷ [فوق] را برای کل یا بخشی از ادای شهادت شاهد وضع نماید.

۹- قبل از اینکه شاهد ادای شهادت نماید و شعبه تدابیر برشمرد شده در ماده فرعی ۷ [فوق] را اتخاذ نماید، متهم، وکیل مدافع یا شاهد می‌تواند دادستان یا شعبه را مطلع سازد که ادای شهادت شاهد مسائلی را در خصوص مجرم قلمداد نمودن شخص [شاهد] ایجاد می‌کند.

۱۰- اگر مسأله مجرم قلمداد نمودن خود در جریان رسیدگی ایجاد شد، شعبه ادای شهادت را به حالت تعلیق در می‌آورد و فرصتی را برای شاهد به منظور کسب مشاوره حقوقی در صورت درخواست وی به هدف اجرای این ماده، می‌دهد.

ماده ۷۵. مجرم قلمداد نمودن [شخص] با شهادت اعضای خانواده

۱- شاهد حاضر نزد دیوان که همسر، فرزند یا والدین شخص متهم است، از سوی شعبه ملزم به بیان اظهاراتی نمی‌شود که منجر به مجرم قلمداد نمودن شخص متهم شود. به هر حال، شاهد می‌تواند بیان چنین اظهاری را انتخاب کند.

۲- در ارزیابی شهادت شاهد، شعبه با اشاره به ماده فرعی [فوق]، اعتراض شاهد به سؤالی که قصد تعارض با اظهارات قبلی وی دارد، یا پاسخگویی گزینشی به سؤالات را، مد نظر قرار می‌دهد.

بند دو. افشاگری

ماده ۷۶. افشاگری پیش از محاکمه مربوط به تعقیب شهود

۱- دادستان اسامی شهودی که قصد دارد آنها را برای ادای شهادت فراخواند و رونوشتی از اظهارات پیشین آنان را به وکیل مدافع ارائه می‌نماید. این [عمل] باید به گونه‌ای باشد که از قبل آمادگی مناسبی برای دفاع را میسر سازد.

۲- دادستان، زمانی که برای احضار شهودی دیگر تصمیمی گرفته می‌شود متعاقباً وکیل مدافع را از اسامی آن شهود مطلع می‌سازد و رونوشت‌هایی از اظهارات آنان تهیه می‌نماید.

۳- اظهارات شهود دادستان در قالب نسخه اصلی و به زبانی که متهم به طور کامل می‌فهمد و تکلم می‌کند در دسترس می‌باشد.

۴- این ماده تابع حمایت و امور خصوصی قربانیان و شهود و حمایت از اطلاعات محرمانه مقرر در اساسنامه و مواد ۸۱ و ۸۲ [آیین دادرسی]، می‌باشد.

• ماده ۷۷. بررسی اسناد تحت اختیار یا کنترل دادستان

با رعایت محدودیت‌های راجع به افشاگری مقرر در اساسنامه و مواد ۸۱ و ۸۲ [آیین دادرسی]، دادستان به وکیل مدافع اجازه بررسی کتب، اسناد، تصاویر و اشیاء مادی تحت اختیار یا کنترل خود را می‌دهد. اسنادی که برای آمادگی وکیل مدافع هستند، یا توسط دادستان به عنوان ادله‌ای برای اهداف جلسه تأیید [اتهامات]، یا در محاکمه به طوری که این مورد ممکن است از شخص مورد نظر تحصیل شود یا به آن شخص تعلق داشته باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ماده ۷۸. بررسی اسناد تحت اختیار یا کنترل و کیل مدافع

وکیل مدافع به دادستان اجازه بررسی کتب، اسناد، تصاویر و اشیاء مادی تحت اختیار یا کنترل خود را می‌دهد که توسط وی به عنوان ادله‌ای برای اهداف جلسه تأیید [اتهامات] یا در محاکمه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ماده ۷۹. افشاجری [برخی نکات] توسط وکیل مدافع

۱- وکیل مدافع قصدش را [نسبت به مسائل ذیل] به دادستان اعلام

می‌کند:

(الف) عنوان کردن وجود دلایل و شواهد غیبت از محل وقوع جرم که ضمن اعلامیه به تصریح مکان یا مکان‌هایی که متهم ادعای حضور در زمان جرم مورد ادعا را کرده است و اسامی شهود و هر ادله‌ای که بر اساس آن متهم قصد اتکا به بیان دلایل غیبت در محل وقوع جرم را دارد، می‌پردازد؛ یا

(ب) عنوان کردن دلیلی برای معافیت از مسؤولیت کیفری مقرر در بند ۱، ماده ۳۱ [اساسنامه]، که ضمن اعلامیه به تصریح اسامی شهود و هر ادله‌ای که بر اساس آن متهم قصد اتکا به بیان این دلیل را دارد، می‌پردازد. ۲- با توجه به محدودیت زمانی پیش‌بینی شده در مواد دیگر [آیین دادرسی]، اعلامیه طبق ماده فرعی ۱ [فوق] باید به گونه‌ای باشد که از قبل دادستان را به طور کامل آماده پاسخگویی سازد. شعبه بررسی کننده این موضوع می‌تواند به دادستان فرصتی را برای مسأله مطرح شده از سوی وکیل مدافع بدهد.

۳- قصور وکیل مدافع در تهیه اعلامیه طبق این ماده حق وی در مطرح کردن موضوعات بررسی شده در ماده فرعی ۱ [فوق] و ارائه ادله را محدود نمی‌کند.

۴- این ماده مانع از [صدور] دستور افشاء ادله دیگر توسط شعبه نمی‌شود.

ماده ۸۰، شیوه‌های کاری در جهت طرح مبنایی برای معافیت از مسؤولیت کیفری طبق بند ۳، ماده ۳۱ [اساسنامه]

۱- وکیل مدافع در صورتی که قصد طرح مبنایی برای معافیت از مسؤولیت کیفری طبق بند ۳، ماده ۳۱ [اساسنامه]، را دارد آن را به اطلاع شعبه دادرسی و دادستان می‌رساند. این اقدام قبل از آغاز دادرسی صورت می‌گیرد تا اینکه دادستان برای دادرسی به طور کامل آماده شود.

۲- متعاقب اعلام طبق ماده فرعی ۱ [فوق]، شعبه دادرسی قبل از اینکه تصمیم بگیرد آیا وکیل مدافع می‌تواند مبنایی را برای معافیت از مسؤولیت کیفری مطرح کند، با دادستان و وکیل مدافع جلسه‌ای را برگزار می‌کند.

۳- در صورتی که به وکیل مدافع اجازه طرح مبنایی داده شود، شعبه دادرسی می‌تواند به دادستان فرصتی را برای بررسی آن مبنای اعطاء کند.

ماده ۸۱. محدودیت‌هایی بر افشاگری

۱- گزارش‌ها، یادداشت‌ها و یا دیگر اسناد داخلی تهیه شده توسط یک طرف [دعوا]، معاونان یا نمایندگان در ارتباط با تحقیق یا آماده‌سازی پرونده، مشمول افشاگری نمی‌شوند.

۲- در صورتی که سند یا اطلاعاتی در اختیار یا کنترل دادستان است که مطابق اساسنامه باید افشاء شود، اما افشاگری ممکن است به پیشرفت تحقیقات لطمه وارد کند، دادستان می‌تواند از شعبه [دادرسی] تقاضای بررسی این موضوع برای تصمیم‌گیری نسبت به اینکه آیا سند یا اطلاعات

باید برای وکیل مدافع افشاء شود، نماید. شعبه [دادرسی] صرفاً برای بررسی این موضوع تشکیل جلسه می‌دهد. به هر حال، دادستان نمی‌تواند چنین سند یا اطلاعاتی را به عنوان ادله در خلال جلسه رسیدگی تأیید [اتهامات] یا دادرسی، بدون افشاء کامل از قبل برای متهم، ارائه کند.

۳- در موردی که اقدامات در تضمین محرمانه بودن اطلاعات مطابق مواد ۵۴، ۵۷، ۶۴، ۷۲ و ۹۳ [اساسنامه]، و مطابق ماده ۶۸ [اساسنامه]، برای حفظ سلامتی شهود و قربانیان و اعضای خانواده آنان صورت گرفته است، چنین اطلاعاتی جز مطابق این مواد، افشاء نمی‌شود. هنگامی که افشاء چنین اطلاعاتی سلامت شاهد را به خطر می‌اندازد، دیوان از قبل اقداماتی را برای مطلع نمودن شاهد از این قضیه اتخاذ می‌کند.

۴- شعبه رسیدگی کننده به موضوع، به ابتکار خود یا بنا به تقاضای دادستان، متهم یا هر کشوری، اقدامات ضروری در تضمین محرمانه بودن اطلاعات مطابق مواد ۵۴، ۷۲ و ۹۳ [اساسنامه] و مطابق ماده ۶۸ [اساسنامه]، برای حفظ سلامت شهود و قربانیان و اعضای خانواده آنان به انضمام عدم صدور مجوز افشاء هویت آنان قبل از آغاز دادرسی، اتخاذ می‌نماید.

۵- هنگامی که سند یا اطلاعاتی در اختیار یا کنترل دادستان است که طبق بند ۵، ماده ۶۸ [اساسنامه]، از تحویل آن خودداری می‌کند، چنین سند یا اطلاعاتی را بعداً نمی‌تواند به عنوان ادله در خلال جلسه رسیدگی تأیید [اتهامات] یا دادرسی، بدون افشاء کامل از قبل برای متهم، مطرح کند.

۶- هنگامی که سند یا اطلاعاتی در اختیار یا کنترل وکیل مدافع است که مشمول افشاء می‌باشد و در شرایط مشابه از تحویل آن خودداری می‌شود، دادستان اجازه دارد به بند ۵، ماده ۶۸ [اساسنامه] استناد کند و در عوض خلاصه‌ای از آن ارائه نماید. چنین سند و اطلاعاتی را بعداً نمی‌توان به عنوان ادله در خلال جلسه رسیدگی تأیید [اتهامات] یا دادرسی، بدون

افشاء کامل از قبل برای دادستان، مطرح کرد.

ماده ۸۲. محدودیت‌هایی برای افشاء اسناد و اطلاعات مورد حمایت

طبق بند ۳ (هـ)، ماده ۵۴ [اساسنامه]

۱- هنگامی که سند یا اطلاعاتی در اختیار یا کنترل دادستان است که طبق بند ۳ (هـ)، ماده ۵۴ [اساسنامه]، حمایت می‌شود، دادستان نمی‌تواند بعداً چنین سند یا اطلاعاتی را به عنوان ادله، بدون رضایت قبلی تهیه‌کننده سند یا اطلاعات و افشاء کامل از قبل برای متهم، مطرح کند.

۲- اگر دادستان، سند یا اطلاعات حمایت شده طبق بند ۳ (هـ)، ماده ۵۴ [اساسنامه]، را به عنوان ادله مطرح کند، شعبه نمی‌تواند دستور ارائه ادله دیگر دریافتی از تهیه‌کننده سند یا اطلاعات اولیه را بدهد و همچنین شعبه به هدف تحصیل چنین ادله‌ای نمی‌تواند تهیه‌کننده یا نماینده تهیه‌کننده را به عنوان شاهد فراخواند و دستور حضور [نزد دیوان] را بدهد.

۳- در صورتی که دادستان شاهی را برای معرفی ادله‌ای از هر نوع سند یا اطلاعاتی که طبق بند ۳ (هـ)، ماده ۵۴ [اساسنامه]، حمایت شده است، احضار نماید، اگر شاهد از پاسخگویی به دلیل محرمانه بودن امتناع کرد، شعبه نمی‌تواند وی را به پاسخگویی به سؤالات مربوط به سند یا اطلاعات یا اصل آن، مجبور نماید.

۴- حق متهم در اعتراض به ادله‌ای که طبق بند ۳ (هـ)، ماده ۵۴ [اساسنامه]، حمایت شده است، صرفاً برای محدودیت‌های مشمول مواد فرعی ۲ و ۳ [فوق] بلااثر می‌ماند.

۵- شعبه بررسی‌کننده موضوع می‌تواند بر اساس درخواست و کیل مدافع دستور دهد که در جهت منافع عدالت، سند یا اطلاعات در اختیار متهم که طبق شرایط مشابه پیش‌بینی شده در بند ۳ (هـ)، ماده ۵۴

[اساسنامه]، برای متهم تهیه شده است و این که به عنوان ادله مطرح می‌شود، با اعمال تغییرات لازم، تابع مواد فرعی ۱، ۲ و ۳ [فوق] باشد.

ماده ۸۳. حکم در خصوص ادله ببری کننده طبق بند ۲، ماده ۶۷

[اساسنامه]

قبل از اینکه شعبه موضوع را به هدف صدور حکمی طبق بند ۲، ماده ۶۷ [اساسنامه]، بررسی نماید، دادستان می‌تواند در اسرع وقت تقاضای جلسه رسیدگی با حضور یک طرف دعوا را نماید.

ماده ۸۴. افشاگری و ادله دیگر برای دادرسی

به منظور آماده سازی طرفین برای دادرسی و تسهیل جریان عادلانه و مناسب رسیدگی، شعبه دادرسی مطابق بندهای ۳ (ج) و ۶ (د)، ماده ۶۴ و بند ۲، ماده ۶۷ [اساسنامه] و با رعایت بند ۵، ماده ۶۸ [اساسنامه]، دستورات ضروری برای افشاء اسناد یا اطلاعات از قبل افشاء نشده و ارائه ادله دیگر، صادر می‌کند. با پرهیز از تأخیر و تضمین آغاز دادرسی در سر وقت مقرر، چنین دستوراتی شامل محدوده زمانی مشخص می‌باشد که با بررسی شعبه دادرسی حفظ می‌شود.

بند سه. قربانیان و شهود

بند فرعی یک. تعریف و اصل کلی مربوط به قربانیان

ماده ۸۵. تعریف قربانیان

به لحاظ اهداف اساسنامه و آیین دادرسی و ادله:

(الف) «قربانیان» به معنای اشخاص حقیقی می‌باشد که در نتیجه

ارتکاب جرم در صلاحیت دیوان، دچار آسیب شده‌اند؛

(ب) قربانیان می‌توانند شامل سازمان‌ها یا نهادهایی شوند که اموالشان وقف مذهب، آموزش، هنر یا علم یا اهداف خیریه می‌شوند و به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و دیگر اماکن و اشیاء آنها که برای مقاصد انسان دوستانه می‌باشد، آسیب مستقیم وارد شده است.

ماده ۸۶. اصل کلی

شعبه در صدور دستور یا قرار و سایر ارکان دیوان در اجرای وظایفشان طبق اساسنامه یا آیین دادرسی نیازهای همه قربانیان و شهود را مطابق ماده ۶۸ [اساسنامه]، بویژه کودکان، سالخوردگان، اشخاص معلول و قربانیان خشونت جنسی یا جنسیتی مدنظر قرار می‌دهند.

بند فرعی دو. حمایت از قربانیان و شهود

ماده ۸۷. اقدامات حمایتی

۱- شعبه، بر اساس پیشنهاد دادستان یا وکیل مدافع یا به تقاضای شاهد یا قربانی یا در صورت امکان، به تقاضای نماینده قانونی‌اش یا به ابتکار خود و بعد از مشورت با واحد قربانیان و شهود، در صورت اقتضا، می‌تواند اقداماتی را در جهت حمایت از قربانی، شاهد یا شخص دیگری که به علت شهادت ارائه شده از سوی شاهد متعاقب بندهای ۱ و ۲، ماده ۶۸ [اساسنامه]، در خطر است، اتخاذ کند. شعبه در هر وقت ممکن، در صد کسب رضایت قبلی از شخصی می‌باشد که نسبت به او اقدام حمایتی، تجویز خواهد شد.

۲- هر پیشنهاد یا تقاضا طبق ماده فرعی ۱ [فوق] باید مطابق ماده

۱۳۴ [آیین دادرسی]، باشد، به شرطی که:

(الف) چنین پیشنهاد یا تقاضایی منحصرأً به درخواست یک طرف

تسلیم نشود؛

(ب) تقاضای شاهد یا قربانی یا در صورت امکان تقاضای نماینده قانونی‌اش به دادستان و وکیل مدافع که هر کدام دارای فرصت پاسخ هستند، ابلاغ شود؛

(ج) پیشنهاد یا تقاضای تأثیرگذار بر شاهد یا قربانی خاص باید به آن شاهد یا قربانی یا نماینده قانونی‌اش و به طرف دیگر [دعوا] که هر کدام دارای فرصت برای پاسخ هستند، ابلاغ شود؛

(د) در صورتی که شعبه بر اساس پیشنهاد خود اقدام کند، اطلاعیه و فرصتی را به دادستان و وکیل مدافع و به هر شاهد یا قربانی یا در صورت امکان به نماینده قانونی که با چنین اقدام حمایتی تحت تأثیر قرار گیرد، داده شود؛ و

(ه) هر پیشنهاد یا تقاضایی با مهر ثبت شود و در صورت ثبت، مهر شده حفظ شود تا شعبه دستور دیگری صادر کند. همچنین پاسخ‌ها به پیشنهاد یا تقاضای مهر شده، به صورت مهر شده ثبت شوند.

۳- شعبه می‌تواند بنا به پیشنهاد یا تقاضا مطابق ماده فرعی ۱ [فوق] جلسه‌ای را به طور غیرعلنی به منظور تعیین اینکه آیا اقداماتی را برای جلوگیری از آشکار ساختن هویت یا مکان قربانی، شاهد یا شخص دیگری که به علت ادای شهادت از سوی شاهد، از طریق انتشار عمومی یا از طریق بنگاه‌های مطبوعاتی یا اطلاع‌رسانی در خطر است، برگزار نماید، از جمله دستور دهد:

(الف) اینکه نام قربانی، شاهد یا شخص دیگر که به علت ادای شهادت از سوی شاهد، در خطر است یا هر اطلاعاتی که می‌تواند منجر به کشف هویت وی از بایگانی عمومی شعبه شود، پاک شود؛

(ب) اینکه دادستان، وکیل مدافع یا هر شخص شرکت‌کننده در

جریان رسیدگی از افشاء چنین اطلاعاتی به شخص ثالث منع شود؛
(ج) اینکه شهادت از طریق [سیستم] الکترونیکی، یا دیگر وسایل
خاص از جمله استفاده از وسایل فنی تغییر دهنده تصاویر یا صوت، استفاده
از فناوری سمعی - بصری بویژه کنفرانس تلویزیونی و تلویزیون مدار بسته
و استفاده انحصاری از رسانه‌های صوتی، ارائه شود؛
(د) اینکه اسم مستعار برای قربانی، شاهد یا شخص دیگری که به
علت ادای شهادت از سوی شاهد در خطر است، استفاده شود؛ یا
(هـ) اینکه بخشی از جریان رسیدگی خود را به طور غیرعلنی برگزار
نماید.

ماده ۸۸. اقدامات ویژه

۱- شعبه می‌تواند بر اساس پیشنهاد دادستان یا وکیل مدافع یا بنا به
تقاضای شاهد یا قربانی یا در صورت امکان به تقاضای نماینده قانونی‌اش یا
به ابتکار خود و بعد از مشورت با واحد قربانیان و شهود و با مدنظر
قراردادن نظرات قربانی و شاهد؛ اقدامات ویژه محدود نشده‌ای از قبیل
اقداماتی برای تسهیل در ادای شهادت قربانی یا شاهد آسیب‌دیده، کودکان،
سالمندان یا قربانی خشونت جنسی متعاقب بندهای ۱ و ۲ ماده ۶۸ [اساسنامه]،
اتخاذ کند. شعبه در هر وقت ممکن باید، در صدد کسب رضایت قبلی از
شخصی باشد که نسبت به وی اقدامات ویژه تجویز خواهد شد.

۲- شعبه بنا به پیشنهاد یا تقاضای مذکور در ماده فرعی ۱ [فوق]، در
صورت ضرورت به صورت غیرعلنی یا منحصراً برای یک طرف [دعوا]،
جلسه‌ای به منظور تعیین اینکه آیا اقدام ویژه محدود نشده‌ای برای وکیل
مدافع، نماینده قانونی، روانپزشک یا عضو خانواده‌ای که اجازه حضور در
خلال ادای شهادت شاهد یا قربانی را دارد، اتخاذ کند، برگزار می‌نماید.

۳- برای پیشنهادها و تقاضاهای بین طرفین که طبق این ماده ثبت می‌شود، مقررات مواد فرعی ۲ (ب) تا (د) ماده ۸۷ [آیین دادرسی]، با اعمال تغییرات لازم اعمال می‌شود.

۴- پیشنهاد یا تقاضای ثبت شده طبق این ماده، مهر شده ثبت می‌شود و در صورتی که این‌طور ثبت شود، تا صدور دستور دیگری از سوی شعبه، مهر شده باقی می‌ماند. هرگونه پاسخ به پیشنهاد یا تقاضای مهر شده نیز به صورت مهر شده ثبت می‌شود.

۵- شعبه، با در نظر گرفتن نقض حریم خصوصی شاهد یا قربانی که برای امنیت وی خطر ایجاد می‌کند، در جهت کنترل نحوه پرسش از شاهد یا قربانی برای پرهیز از هرگونه تهدید یا آزار و توجه خاص نمودن به تعدی نسبت به قربانیان جرایم خشونت جنسی، مراقب می‌باشد.

بند فرعی سه. مشارکت قربانیان در [جلسات] رسیدگی

ماده ۸۹. درخواست برای مشارکت قربانیان در [جلسات] رسیدگی

۱- قربانیان برای ارائه نظرات و نگرانی‌هایشان، درخواستی را به صورت کتبی به مدیر دفتر [دیوان] که درخواست را به شعبه مربوط ارائه می‌دهد، تسلیم می‌کنند. با رعایت مقررات اساسنامه، بویژه بند ۱، ماده ۶۸ [اساسنامه]، مدیر دفتر رونوشتی از درخواست را برای دادستان و وکیل مدافع که حق پاسخ‌گویی در ظرف محدوده زمانی بیان شده از سوی شعبه را دارند، تهیه می‌کند. سپس شعبه، با رعایت ماده فرعی ۲ [ذیل]، [آیین] رسیدگی و روش مناسب شرکت در جلسه را که می‌تواند شامل شرح خلاصه دعوا توسط طرفین در آغاز و پایان رسیدگی باشد مشخص می‌کند.

۲- شعبه به ابتکار خود یا به درخواست دادستان یا وکیل مدافع، می‌تواند درخواست [قربانی] را، در صورتی که احراز نماید شخص قربانی

نیست یا اینکه معیار پیش‌بینی شده در بند ۳، ماده ۶۸ [اساسنامه]، دیگر اجرا نمی‌شود، رد نماید. قربانی که درخواستش رد شده است، می‌تواند درخواست جدیدی را بعداً در [جلسه] رسیدگی ثبت نماید.

۳- درخواست مورد اشاره در این ماده، در موقع لزوم در صورتی که قربانی، کودک یا ناتوان است، می‌تواند توسط شخصی با رضایت قربانی یا شخصی به نیابت از قربانی صورت گیرد.

۴- در صورت وجود تعدادی از درخواست‌ها، شعبه آنها را به روشی که مؤثر بودن [جلسه] رسیدگی را تأمین نماید، بررسی می‌کند و می‌تواند حکمی صادر نماید.

ماده ۹۰. نمایندگان قانونی قربانیان

۱- هر قربانی در انتخاب نماینده قانونی آزاد است.

۲- در صورت وجود تعدادی از قربانیان، شعبه می‌تواند به هدف تأمین مؤثر بودن [جلسه] رسیدگی، از قربانی یا گروه‌های خاصی از قربانیان تقاضا نماید که در صورت لزوم با مساعدت مدیر دفتر، نماینده یا نمایندگان قانونی مشترکی را انتخاب کنند. در تسهیل هماهنگی نمایندگی قربانی، مدیر دفتر می‌تواند مساعدتی، از قبیل اشاره به فهرست مشاوران قربانیان که توسط دفتر [دیوان] نگهداری شده یا پیشنهاد یک یا چند تن از نمایندگان قانونی مشترک را تدارک ببیند.

۳- اگر قربانیان قادر به انتخاب نماینده یا نمایندگان قانونی مشترک در ظرف زمان مشخص شده که در شعبه تصمیم‌گیری می‌شود، نیستند، شعبه از مدیر دفتر تقاضای انتخاب یک یا چند نماینده قانونی مشترک می‌کند.

۴- شعبه و دفتر [دیوان] کلیه اقدامات معقول را در جهت اینکه در انتخاب نمایندگان قانونی مشترک، منافع مجزای قربانیان، بویژه،

همانطوری که در بند ۱، ماده ۶۸ [اساسنامه]، مقرر شده، تضمین شود و از هرگونه تعارض منافع پرهیز شود، اتخاذ می‌کنند.

۵- هر قربانی یا گروههایی از قربانیان که فاقد امکانات لازم برای پرداخت [حق‌الزحمه] نماینده قانونی مشترک منتخب دیوان می‌باشند، می‌توانند از دفتر دیوان مساعدت مناسب، از قبیل کمک مالی دریافت کنند.

۶- نماینده قانونی قربانی یا قربانیان دارای صلاحیت‌های پیش‌بینی‌شده در ماده فرعی ۱، ماده ۲۲ [آیین دادرسی]، می‌باشند.

ماده ۹۱. مشارکت نمایندگان قانونی در [جلسات] رسیدگی

۱- شعبه می‌تواند احکام قبلی طبق ماده ۸۹ [آیین دادرسی]، را تغییر دهد.

۲- نماینده قانونی قربانی از حق حضور و مشارکت در [جلسات] رسیدگی که مطابق حکم شعبه و هرگونه تغییر صورت گرفته از آن طبق مواد ۸۹ و ۹۰ [آیین دادرسی] ایجاد شده است، برخوردار خواهد بود. این [حق]، مشارکت در جلسات رسیدگی را دربرمی‌گیرد مگر اینکه بر اساس شرایط پرونده، نظر شعبه مربوط این باشد که دخالت نماینده محدود به نظرات و لوایح کتبی شود. دادستان و وکیل مدافع اجازه پاسخگویی به هرگونه نظرات شفاهی ارائه شده از سوی نماینده قانونی برای قربانیان را دارند.

۳- (الف) هنگامی که نماینده قانونی مطابق این ماده حضور پیدا می‌کند و [در جلسه] مشارکت می‌کند و قصد پرسش از شاهد، کارشناس یا متهم را دارد و پرسش وی شامل [پرسشهایی] طبق مواد ۶۷ و ۶۸ [آیین دادرسی]، می‌باشد، بایستی درخواستی به شعبه بدهد. شعبه می‌تواند از نماینده قانونی بخواهد فهرستی از سؤالات تهیه کند و آنها را [شعبه] به اطلاع

دادستان و در صورت امکان به اطلاع و کیل مدافع که اجازه ایراد نظراتی در ظرف زمانی محدود تصریح شده از سوی شعبه را دارند، می‌رساند.

(ب) سپس، شعبه با مدنظر قراردادن مرحله رسیدگی، حقوق متهم، منافع شهود، ضرورت عادلانه بودن [دادرسی]، بی‌طرفی و دادرسی سریع و اثر بخش کردن بند ۳، ماده ۶۸ [اساسنامه]، بر اساس تقاضای [فوق] حکمی صادر می‌کند. حکم می‌تواند شامل دستورالعمل‌هایی در خصوص نحوه تنظیم پرسشها و تهیه اسناد، مطابق اختیارات شعبه طبق ماده ۶۴ [اساسنامه]، باشد. شعبه در صورت صلاحدید، می‌تواند سؤال را به نیابت از نماینده قانونی در اختیار شاهد، کارشناس و متهم قرار دهد.

۴- برای جلسه رسیدگی محدود شده به جبران خسارت طبق ماده ۷۵ [اساسنامه]، محدودیت‌های پیش‌بینی شده در خصوص پرسش نماینده قانونی در ماده فرعی ۲ [فوق] اعمال نمی‌شود. در این حالت، نماینده قانونی با اجازه شعبه مورد نظر، می‌تواند از شهود، کارشناسان و شخص مورد نظر پرسش نماید.

ماده ۹۲. اعلام به قربانیان و نمایندگان قانونی آنان

۱- این ماده در خصوص اعلام به قربانیان و نمایندگان قانونی آنان برای کلیه جلسات رسیدگی نزد دیوان، به استثنای جلسات رسیدگی مقرر در بخش ۲ [اساسنامه]، اعمال می‌شود.

۲- برای دادن اجازه به قربانیان برای درخواست شرکت در جلسات رسیدگی مطابق ماده ۸۹ [آیین دادرسی]، دیوان به قربانیان موردنظر، تصمیم دادستان مبنی بر عدم آغاز تحقیق یا عدم تعقیب مطابق ماده ۵۳ [اساسنامه]، را اعلام می‌کند. چنین اعلامیه‌ای به قربانیان یا نمایندگان قانونی آنان که تاکنون در جلسات رسیدگی شرکت کرده‌اند و تا آنجا که ممکن است به

آنهایی که دیوان را از این وضعیت یا قضیه مورد بحث آگاه نموده‌اند، داده می‌شود. شعبه، اقدامات تشریح شده در ماده فرعی ۸ [ذیل] را در صورت صلاحدید در شرایط خاص مقرر می‌کند.

۳- برای دادن اجازه به قربانیان برای درخواست شرکت در جلسات رسیدگی مطابق ماده ۸۹ [آیین دادرسی]، دیوان، قربانیان را درباره تصمیمش در خصوص تشکیل جلسه تأیید [اتهامات] متعاقب ماده ۶۱ [اساسنامه]، مطلع می‌کند. چنین اعلامیه‌ای به قربانیان یا نمایندگان قانونی آنان که تاکنون در جلسات رسیدگی شرکت کرده‌اند یا تا آنجا که ممکن است، به آنهایی که دیوان را از قضیه مورد بحث آگاه نموده‌اند، داده می‌شود.

۴- هنگامی که اعلامیه شرکت، همانطوری که در مواد فرعی ۲ و ۳ [فوق] مقرر شده، داده می‌شود، هر نوع اعلامیه بعدی مورد اشاره در مواد فرعی ۵ و ۶ [ذیل] صرفاً برای قربانیان یا نمایندگان قانونی آنان که در جلسات رسیدگی مطابق حکم شعبه متعاقب ماده ۸۹ [آیین دادرسی]، و هر تغییری از آن [حکم]، شرکت می‌کنند، تهیه می‌شود.

۵- به روشی موافق با حکم طبق مواد ۸۹ تا ۹۱ [آیین دادرسی]، قربانیان یا نمایندگان قانونی آنان که در جلسات شرکت داشته‌اند، راجع به جلسات رسیدگی در موقع مقرر توسط مدیر دفتر [دیوان] از طریق [ذیل] مطلع می‌شوند:

(الف) جلسات رسیدگی نزد دیوان، شامل تاریخ جلسات رسیدگی و هر تعویقی از آن و تاریخ تسلیم حکم؛

(ب) تقاضاها، لوائح، پیشنهادها و دیگر اسناد مربوط به چنین تقاضاها، لوائح یا پیشنهادها.

۶- در صورتی که قربانیان یا نمایندگان قانونی آنان در برخی مراحل

جلسات رسیدگی شرکت کرده‌اند، مدیر دفتر آنان را در اسرع وقت از حکم دیوان مطلع می‌سازد.

۷- ابلاغیه‌های مورد اشاره در مواد فرعی ۵ و ۶ [فوق] کتبی می‌باشد، در صورتی که ابلاغیه کتبی ممکن نباشد، در هر شکل دیگری که مناسب است، صورت می‌گیرد. دفتر [دیوان] از بایگانی کلیه اعلامیه‌ها نگهداری می‌کند. در صورت لزوم، مدیر دفتر [دیوان] از کشورهای عضو مطابق بند ۱ (د) و (ل)، ماده ۹۳ [اساسنامه]، درخواست همکاری می‌کند.

۸- درخصوص اعلامیه مورد اشاره در ماده فرعی ۳ [فوق] و یا بنا به تقاضای شعبه، مدیر دفتر اقدامات ضرورتی را برای اعلان عام جلسات رسیدگی، اتخاذ می‌کند. در انجام چنین کاری، مدیر دفتر مطابق بخش ۹ [اساسنامه]، از کشورهای عضو و سازمان‌های بین‌المللی، درخواست همکاری و مساعدت می‌کند.

ماده ۹۳. دیدگاههای قربانیان و نمایندگان قانونی آنان

شعبه، دیدگاههای قربانیان یا نمایندگان قانونی که [در جلسات] شرکت داشته‌اند را متعاقب مواد ۸۹ تا ۹۱ [آیین دادرسی]، درخصوص هر مسأله‌ای از جمله در ارتباط با مسائل مورد اشاره در مواد ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۶، ۱۳۹ و ۱۹۱ [آیین دادرسی] درخواست می‌کند. به علاوه، در صورت لزوم، شعبه، دیدگاههای سایر قربانیان را درخواست می‌کند.

بند فرعی چهارم. جبران خسارات قربانیان

ماده ۹۴. شیوه کار بر اساس درخواست [قربانیان]

۱- درخواست قربانی برای جبران خسارت طبق ماده ۷۵ [اساسنامه]، کتبی می‌باشد و توسط مدیر دفتر ثبت می‌شود، که شامل جزئیات ذیل

می‌باشد:

(الف) هویت و آدرس خواهان؛

(ب) شرح آسیب، ضرر یا زیان؛

(ج) محل و تاریخ حادثه و تا حد امکان، هویت شخص یا اشخاصی

که قربانی معتقد است مسئول آسیب، ضرر یا زیان می‌باشند؛

(د) در صورت درخواست اعاده دارایی، مالکیت یا دیگر اموال عینی،

شرح آنها داده شود؛

(هـ) دعاوی برای جبران خسارت؛

(و) دعاوی برای اعاده حیثیت و دیگر اشکال جبران خسارت؛

(ز) تا حد امکان، هر سند اثبات کننده مربوط، شامل اسامی و

آدرس‌های شهود.

۲- در آغاز دادرسی و با رعایت اقدامات حمایتی، دیوان از مدیردفتر

تقاضای تهیه اعلامیه‌ای برای ابلاغ درخواست به شخص یا اشخاص ذکر شده

در تقاضا یا مشخص شده در اتهامات و تا حد امکان برای اشخاص و

کشورهای ذی‌نفع می‌نماید. موارد اعلام شده و هرگونه اظهارات

صورت گرفته طبق بند ۳، ماده ۷۵ [اساسنامه]، در دفتر [دیوان] ثبت می‌شود.

ماده ۹۵. شیوه کار بر اساس پیشنهاد دیوان

۱- در مواردی که دیوان قصد اقدام بر اساس پیشنهاد خود متعاقب

بند ۱، ماده ۷۵ [اساسنامه]، را دارد، از مدیر دفتر تقاضای تهیه اعلامیه‌ای

مبتنی بر قصدش، برای شخص یا اشخاصی که علیه آنها در حال بررسی

صدور حکم می‌باشد و تا حد امکان برای قربانیان، اشخاص و کشورهای

ذی‌نفع، می‌نماید. موارد اعلام شده و هرگونه اظهارات صورت گرفته طبق

بند ۳، ماده ۷۵ [اساسنامه] در دفتر [دیوان] ثبت می‌شود.

۲- در صورتی که در نتیجه اعلامیه طبق ماده فرعی ۱ [فوق]؛

- (الف) قربانی تقاضای جبران خسارت کند، درباره آن تصمیم گرفته می‌شود، گو اینکه آن طبق ماده ۹۴ [آیین دادرسی]، مطرح شده است؛
- (ب) قربانی تقاضا کند که دیوان دستور جبران خسارت ندهد، دیوان برای صدور دستور شخصی درباره آن قربانی اقدام نمی‌کند.

ماده ۹۶. انتشار [دستور کار جلسه] رسیدگی به جبران خسارت

۱- بدون لطمه به هر ماده‌ای در خصوص اعلام جلسه رسیدگی، مدیر دفتر، تا آنجا که عملی باشد [دستور کار جلسه را]، به قربانیان یا نمایندگان قانونی آنان و شخص یا اشخاص مورد نظر اطلاع می‌دهد. همچنین، مدیر دفتر با در نظر گرفتن اطلاعات تهیه شده دادستان، کلیه اقدامات ضروری برای انتشار عمومی [دستور کار جلسه] رسیدگی به جبران خسارت نزد دیوان و تا حد امکان برای قربانیان دیگر، اشخاص و کشورهای ذی‌نفع اتخاذ می‌کند.

۲- در اتخاذ اقدامات توصیف شده در ماده فرعی ۱ [فوق]، دیوان، مطابق بخش ۹ [اساسنامه]، از کشورهای عضو و سازمان‌های بین‌المللی به منظور عمومیت دادن [جریان جلسه] رسیدگی به جبران خسارت نزد دیوان تا حد ممکن و با کلیه وسایل ممکن، تقاضای همکاری و مساعدت می‌نماید.

ماده ۹۷. ارزیابی خسارات

۱- دیوان، با در نظر گرفتن دامنه و اندازه خسارت، زیان یا آسیب، می‌تواند حکم جبران خسارت بر اساس مبنای منفرد یا در صورتی که فرض کند آن مناسب است، بر اساس مبنای جمعی یا بر اساس هر دو مبنای صادر کند.

۲- دیوان، بنا به تقاضای قربانیان یا نمایندگان قانونی آنان یا به تقاضای شخص محکوم علیه یا به پیشنهاد خود، کارشناسانی را برای کمک به دیوان در تعیین دامنه، اندازه خسارت، زیان و ضرر یا دربارهٔ قربانیان و پیشنهاد گزینه‌های متعدد مربوط به اشکال و راههای مناسب جبران خسارت، منصوب می‌کند. در صورت مقتضی، دیوان از قربانیان یا نمایندگان قانونی آنان، محکوم علیه و نیز اشخاص و کشورهای ذی‌نفع برای ارائه اظهارنظر در خصوص گزارشهای کارشناسان، دعوت به عمل می‌آورد.

۳- دیوان، در همه موارد به حقوق قربانیان و محکوم علیه احترام می‌گذارد.

ماده ۹۸. صندوق امانی [قربانیان]

- ۱- احکام شخصی برای جبران خسارات مستقیماً علیه محکوم علیه صادر می‌شود.
- ۲- دیوان می‌تواند دستور دهد که حکم جبران خسارات علیه محکوم علیه در حالی که در زمان صدور دستور، دادن حکم شخصی مستقیم برای هر یک از قربانیان غیر ممکن یا غیر قابل اجرا است، به صندوق امانی سپرده شود. سپس، حکم جبران خسارت سپرده شده از سایر منابع صندوق امانی جدا می‌شود و در اولین فرصت ممکن برای قربانیان فرستاده می‌شود.
- ۳- دیوان می‌تواند دستور دهد که حکم جبران خسارت علیه محکوم علیه، در صورتی که تعداد قربانیان و دامنه، اشکال و روشهای جبران خسارت با حکم جمعی مناسب‌تر باشد، از طریق صندوق امانی صورت گیرد.
- ۴- دیوان، در پی مشورت با کشورهای ذی‌نفع و صندوق امانی، می‌تواند دستور دهد که حکم جبران خسارت از طریق صندوق امانی به سازمان بین‌المللی یا ملی مورد تأیید آن صندوق صورت گیرد.

۵- سایر منابع صندوق امانی برای استفاده قربانیان با رعایت مقررات ماده ۷۹ [اساسنامه]، به کار گرفته می‌شود.

ماده ۹۹. همکاری و اقدامات حمایتی به منظور مصادره اموال طبق بند

۳ (ه)، ماده ۵۷ [اساسنامه] و بند ۴، ماده ۷۵ [اساسنامه]

۱- شعبه دادرسی مقدماتی متعاقب بند ۳ (ه)، ماده ۵۷ [اساسنامه]، یا شعبه دادرسی، متعاقب بند ۴، ماده ۷۵ [اساسنامه]، بر اساس پیشنهاد خود یا به درخواست دادستان یا به تقاضای قربانیان یا نمایندگان قانونی آنان که تقاضای جبران خسارت کرده‌اند یا کسی که تعهد کتبی به انجام چنین کاری داده است، می‌تواند تعیین کند که آیا این اقدام باید درخواست شود.

۲- اعلامیه لازم نیست مگر اینکه دیوان، در شرایط خاص پرونده تصمیم بگیرد که [صدور] اعلامیه، نمی‌تواند مؤثر بودن اقدام مورد تقاضا را به خطر بیندازد. در مورد اخیر، مدیر دفتر اعلامیه جلسه رسیدگی را برای شخصی که علیه آن تقاضا صورت گرفته و تا آنجا که مقدور باشد برای اشخاص یا کشورهای ذی‌نفع تهیه می‌کند.

۳- در صورتی که دستور بدون اعلامیه قبلی صادر شود، شعبه مربوط از مدیر دفتر تقاضا می‌کند که هرچه سریع‌تر موافق با تأثیر اقدامات مورد تقاضا، به آنهایی که علیه آنها تقاضا شده است و تا حد امکان به اشخاص و کشورهای ذی‌نفع اطلاع دهد و از آنها برای ارائه اظهار نظر نسبت به اینکه آیا دستور باید باطل شود یا تغییر کند، دعوت به عمل آورد.

۴- دیوان می‌تواند درخصوص زمان و نحوه اداره جلسه ضروری رسیدگی برای تعیین این مسائل، دستور صادر کند.

ماده ۱۰۰. مکان جلسات رسیدگی

۱- در پرونده خاص، در موردی که، دیوان بررسی می‌کند که این امر در جهت منافع عدالت است، می‌تواند تصمیم بگیرد که مکان جلسات رسیدگی را در کشوری به غیر از کشور میزبان قرار دهد.

۲- تقاضا یا توصیه تغییر مکانی که دیوان در آن جلسه برگزار می‌کند، در هر زمانی بعد از آغاز تحقیق، یا به وسیله دادستان، وکیل مدافع یا اکثریت قضات دیوان، درخواست می‌شود. چنین درخواست یا توصیه مورد توجه هیأت رئیسه قرار می‌گیرد، که به صورت کتبی است و کشوری را که جلسه دیوان در آن برگزار می‌شود، مشخص می‌کند. هیأت رئیسه خود را با نظرات شعبه مربوطه اقناع می‌کند.

۳- هیأت رئیسه با کشوری که دیوان قصد برگزاری جلسات در آن را دارد، مشورت می‌کند. در صورتی که آن کشور موافقت کند، دیوان می‌تواند در آن کشور جلسات را برگزار کند، سپس، تصمیم به برگزاری جلسات در کشوری به غیر از کشور میزبان، در جلسه عمومی با اکثریت دو سوم آرای قضات، اتخاذ می‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ماده ۱۰۱. محدوده‌های زمانی

۱- دیوان در صدور دستور تعیین محدوده‌های زمانی راجع به [جریان] جلسه رسیدگی، به ضرورت تسهیل عدالت و تسریع رسیدگی و به طور خاص مدنظر قرار دادن حقوق وکیل مدافع و قربانیان، توجه دارد.

۲- با در نظر گرفتن حقوق متهم، بویژه طبق بند ۱ (ج)، ماده ۶۷ [اساسنامه]، همه شرکت کنندگان در جلسات رسیدگی که مورد خطاب دستور [دیوان] هستند، در زمان مقتضی و در ظرف محدوده زمانی مقرر

دیوان، [در اجرای دستور دیوان] کوشش می‌کنند.

ماده ۱۰۲. ایجاد ارتباط به غیر از [ایجاد ارتباط از طریق] نوشتن در صورتی که شخصی به علت عدم توانایی یا بی‌سوادی، قادر به ارائه تقاضا، درخواست اظهار نظر یا روش ارتباطی دیگر کتبی به دیوان نیست، می‌تواند چنین تقاضا، درخواست، اظهار نظر یا ارتباط را به صورت سمعی یا بصری یا دیگر اشکال الکترونیکی ارائه دهد.

ماده ۱۰۳. داوطلب کمک به دادگاه و دیگر اشکال اظهاریه

۱- شعبه در هر مرحله از رسیدگی می‌تواند - اگر تشخیص دهد که برای تصمیم‌گیری صحیح در خصوص پرونده لازم است - از هر کشور، سازمان یا شخصی برای ارائه کتبی یا شفاهی هرگونه اظهار نظر در مورد هر مسأله‌ای که مناسب می‌داند دعوت نماید یا به آنها اجازه [چنین اظهار نظری] بدهد.

۲- دادستان و وکیل مدافع فرصت پاسخ به اظهار نظرات ارائه شده طبق ماده فرعی ۱ [فوق] را دارند.

۳- اظهار نظر کتبی ارائه شده طبق ماده فرعی ۱ [فوق] توسط مدیر دفتر که رونوشتی از آن را برای دادستان و وکیل مدافع تهیه می‌کند، ثبت می‌شود. شعبه تعیین می‌کند که چه محدوده زمانی برای بایگانی چنین اظهار نظراتی اعمال شود.